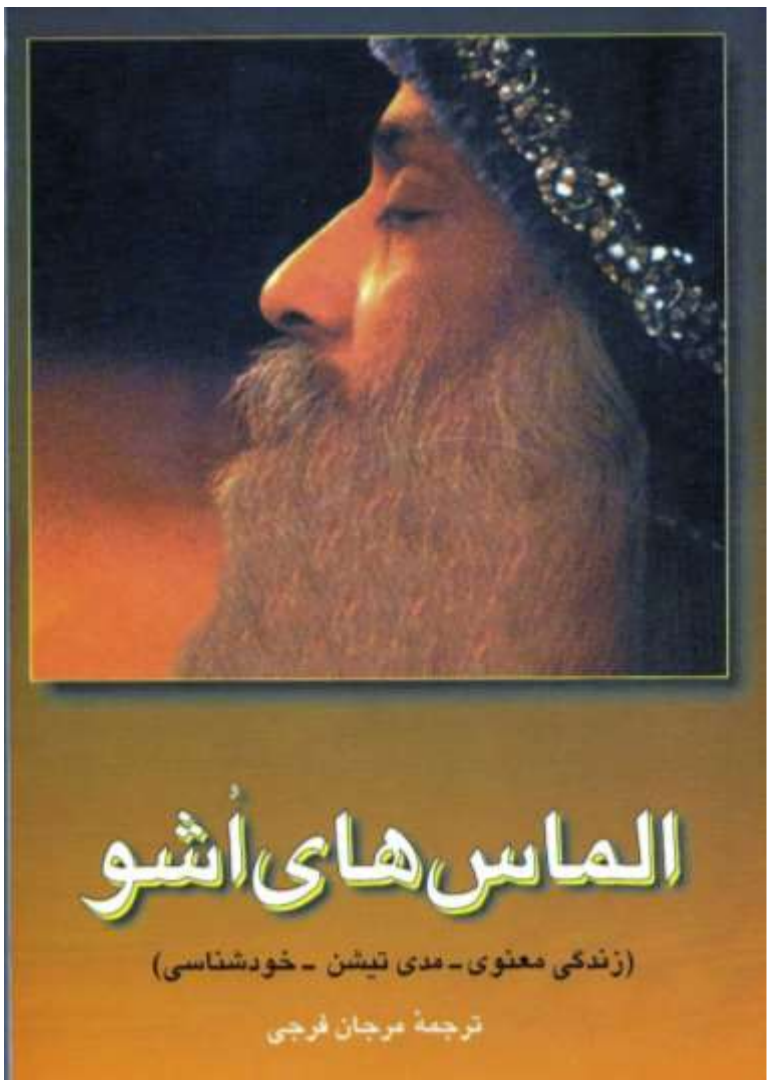
الماسهای اشو

OSHO DIAMONDS

A NEW VISION FOR THE NEW MILLENNIU



توجه:

قبل از شروع لازم میدانم نکتهٔ مهمی خطاب به مترجم گرامی و ناشر محترم این کتاب عرض کنم.تهیهٔ نسخهٔ اینترنتی این کتاب به معنی نقض حقوق شما نمیباشد و نسخهٔ اینترنتی صرفاً جهت استفادهٔ افرادیست که قادر به دسترسی به این کتاب نیستند و تشنهٔ خواندن آموزه های استادند. مسلم است که دوستداران اشو چنانچه قادر به خریداری این کتاب باشند با کمال میل در جهت حمایت از ناشر و مترجم،آنرا خریداری خواهند کرد. با عرض پوزش و همچنین نهایت تشکر از زحمات شما عزیزان.

www.otagahi.com

www.oshods.com

http://groups.yahoo.com/group/oshodreamstar

http://oshods.blog.com/

پیشگفتار مترجم:

عمر اشو قد نداد،اما عمر هیچ اشویی قد نمی دهد که به آن درجه از شهامت و آگاهی برسد تا با چاپ کتابی سفید با برگ هایی سفید،بی نام و نشان به مردم این حقیقت را بفهماند که باید امّی بود.باید قلم را قسم داد که ای قلم ننویس،که اگر همان لحظه را هم بنویسی،خواننده را از این دم غافل کرده ای.

و بودا زبانش را هم قسم داد. او در سکوتی ژرف در زیر درخت بُدی می نشست و به جای حرف زدن،نه به عالم بالا،که به عالم درون فرو می رفت تا با شعلهٔ درونش دنیایی را از شمع وجود خویش روشن سازد...

اگر رهروی طریقت دلی،حرف نزن! که واژه هایت فقط عنتران مشتی معرکه گیر خواهد بود؛و بیچاره مولوی که یک کلام نوشت:"عقل اول راند بر عقل دوم/ماهی از سرگنده گردد نی ز دم" و چه نزاع های بی حاصلی بر سر کشف این معنا که آیا غرض "نَه" است یا"خیزران"،غرض"گنده" است یا "گُنده". غرض"دَم" ست یا "دُم"،غرض"یک ماه"است یا "ماهی" و یا غرض"عقول عشره مشّاعیان"است یا "دو عقل مطبوع و مسموع"!

به فتحه و ضمّه و کسره و تشدید و قفل و رمز هم دل خوش مدار،که تازه می خواهند بدانند کدام"شیر" در کدام"بادیه" آمده و چرا؟

و تو می خواهی مردم را از گذشته و آینده به در آوری و طعم لذت بخش لحظهٔ حاضر را به آنان بچشانی...

تازه با چه شهامتی می خواهی آن برگهای سفید را به دهان این همه قلم گرسنه بدهی؟

نه،عمر هیچکس قد نمی دهد...

" مرجان فرجی"

***

Words have never failed so eloquently as describing Osho as a man who was used more words than any man in history to communicate that which is beyond words!

Osho is the next big leap in human consciousness after Gautama Buddha. In fact,Osho has gone beyond Gautama Buddha by giving rebirth to the entire spiritual heritage of mankind.

In Osho ,his lovers have tasted the real thing.

"Kamlesh Pandey"

در وصف اشو،مردی که بیش از هر کسی در تاریخ از واژه ها، برای بیان مفاهیمی فراتر از واژه مدد گرفت،هرگز زبان واژه ها تا به این حد گویا،از سخن گفتن عاجز نبوده است!

اشو جهش بزرگ بعدی در آگاهی انسان،پس از گوتاما بودا است. در حقیقت اشو با احیای دوبارۀ تمامی گنجینۀ معنوی بشر،گوی سبقت را از گوتاما بودا ربوده است.

با الهام از او،عاشقان راهش طعم حقیقت ناب را چشیده اند.

"کاملِش پاندی"

JANUARY



۱ JAN

My message is not in the words that I use,but in the silence frome where those words come. My message is not verbal,philosophical.

It is a communion ,a deep communion of the hearts, a meeting,a merger,an orgasmic experience... It is spiritual orgasm.

پیام من نه در واژه هایی که به کار می گیرم،بلکه در سکوتی نهفته ست که آن واژه ها از آنجا بر میخیزند. پیام من نه کلامی است،نه فلسفی.

یک آمیزش،یک پیوند ژرف دلها،یک دیدار،یک وصال،یک تجربۀ خلسه آور...پیام من یک انزال روحانیست.

2 JAN

Knowledge is the barrier to knowing. When knowledge is dropped,knowing flowers.

دانش مانع از شناخت است. وقتی پردهٔ دانش فرو افتد،گل شناخت شکفته می شود.

3 JAN

Remember: life is a rhythm between day and night,summer and winter. It is a continuous rhythm. Never stop anywhere! Be moving! And the bigger the swing,the deeper your experience will be.

به خاطر داشته باش که زندگی نوسانی است بین شب و روز،تابستان و زمستان. این نوسانی دائمی است.هرگز هیچ کجا از حرکت نایست! در جنبش باش!و هر قدر این نوسان بزرگتر باشد،تجربه ات ژرفتر خواهد بود.

4 JAN

Pour your love in your meditation and pour your meditation in your love. This is what teach. This is what Icall a dynamic life. And a religious life is a dynamic life.

عشقت را در مراقبه ات و مراقبه ات را در عشقت جاری ساز.این همان چیزیست که من تعلیم می دهم.این همان چیزیست که زندگی پویا می خوانمش و زندگی مذهبی،زندگی ای پویاست.

5 JAN

In the inner world no effort is needed. Once you start slipping within wards, you suddenly see everything is happening as it should. Life is perfect. There is no way to improve upon it. Then celebration start.

در دنیای درون نیازی به تلاش نیست.همین که لغزیدن به درون را آغاز کردی،ناگهان می بینی که همه چیز همانگونه روی می دهد که باید.زندگی به غایت کامل است.هیچ راهی برای بهبود بخشیدن به آن نیست.آنگاه جشن آغاز می شود.

6 JAN

A creative person comes into the world,enhance the beauty of the world-a song here,a painting there. He makes the world dance better,enjoy better,love better.When he leaves this world,he leaves a better world behind him.

فردی خلاق به دنیا می آید و بر زیبایی دنیا می افزاید-آوازی اینجا،پردهٔ نقاشی ای آنجا. او باعث می شود دنیا بهتر به رقص درآید،بهترمحظوظ شود،بهتر عشق بورزد و بهتر مراقبه کند،و وقتی از این دنیا رخت بر می بندد،دنیای بهتری را پشت سر می گذارد.

7 JAN

Be creative. Don't be worried about what you are doing – one has to do many things- but do everything creatively,with devotion. Then your work becomes worship.

خلاق باش.نگران نباش چه می کنی- انسان کارهای بسیاری را باید انجام دهد- اما هر کاری را مبتکرانه،از روی شیفتگی و اخلاص،انجام بده،آنگاه کار تو عبادت می شود.

8 JAN

Each man comes into this world whith a specific destiny- he has something to fulfill. Some message has to be delivered, some work has to be completed. You are not hereaccidentally-you are here meaningfully. There is a purpose behind you. The whole intends to do something through you.

هر انسانی با سرنوشتی مشخص به این دنیا قدم می گذارد- او وظیفه ای دارد که باید ادا کند،پیامی که باید ابلاغ شود،کاری که باید تکمیل گردد. تو تصادفا اینجا نیستی-بلکه به طور هدفمندی اینجا هستی،در پس وجود تو منظوری نهفته است.کل هستی بر آن است کاری را از طریق تو به انجام برساند

9 JAN

The real happens only to real persons. Gurdjieff used to say:"Don't seek reality- become real !" beacause the real happens to real persons only . To unreal persons only the unreal happens.

رخداد واقعی فقط برای افراد واقعی روی می دهد.تکیه کلام گرجیف این بود:"در جستجوی واقعیت نباش- خودت واقعی شو!" چرا که واقعی فقط برای افراد واقعی اتفاق می افتد. برای افراد غیر واقعی فقط غیر واقعی رخ می دهد.

10 JAN

If the atom can have so much energy,what to say about man? What to say about this small flame of consciousness in man? If some day this

small flame bursts forth,it is bound to become an intinite source of energy and light. That's how it has happened to a Buddha,or to a Jesus.

وقتی اتم می تواند چنین انرژی عظیمی دارا باشد،پس دربارهٔ انسان چه باید گفت؟ دربارهٔ این شعلهٔ کوچک آگاهی افروخته در انسان چه باید گفت؟ اگر روزی این شعلهٔ کوچک به انفجار در آید،قدر مسلم به منبع نامحدودی از انرژی و نور مبدل می گردد.این همان چیزیست که در مورد انسانی به نام "بودا" یا انسانی به نام "عیسی مسیح" رخ دده است.

11JAN

Each individual is a freedom,an unknown freedom. It is impossible to predict,impossible to expect. One has to live in awareness and in understanding.

هر فرد یک آزادیست،یک آزادی ناشناخته؛آزادی ای غیر قابل پیش بینی و غیر قابل انتظار،شخص باید در آگاهی و ادراک زندگی کند.

12 JAN

Live deeply,live totally,live wholly , so when death comes and knocks at your door you are ready –ready like a ripe fruit to drop;Just a small breeze comes and the fruit drops;sometimes even without the breez the fruit drops frome its own weight and ripeness. Death sould be like that. And the readiness has to come through living.

ژرف زندگی کن،از ته دل زندگی کن،یکپارچه با تمام وجود.به طوری که وقتی مرگ در زد،آماده باشی- آماده چون میوه ای رسیده برای فرو افتادن از درخت.تنها نسیمی ملایم می وزد و میوه فرو می افتد؛گاه حتی بدون نسیمی،میوه به سبب سنگینی و رسیدگی از درخت می افتد.مرگ باید چنین باشد و این آمادگی باید با زندگی کردن فراهم آید.

13 JAN

All moments are beautiful,only you have to be receptive and surrendering .All moments are blessings,only you have to be capable of seeing . All moments are benedictions,if you accept with a deep grantitude. Nothing ever goes wrong.

همهٔ لحظه ها زیبا هستند،فقط تو باید پذیرا و تسلیم باشی.همهٔ لحظه ها نعمت اند،فقط تو باید قادر به دیدن باشی.همهٔ لحظه ها میمون و مبارکند.اگر تو با حق شناسی عمیق بپذیری،هرگز هیچ چیز عیب نخواهد کرد.

14 JAN

Meditation is a function of being happy. Meditation follows a happy man like a shadow. Wherever he goes,wherever he goes,whatsoever he is doing,he is meditative. He is intensely concentrated.

مراقبه تابعی است از شاد بودن.مراقبه همچون سایه در تعقیب انسان شاد است.هر جا که می رود،هر کاری که می کند،در حال مراقبه و مکاشفه است.او به شدت متمرکز است.

15 JAN

Happiness happens when you fit with your life. When you fit so harmoniously that what wahatsoever you are doing is your joy. Then suddenly you will come to know: meditation follows you. If you love the work that you are doing,if you love the way you are living,then you are

meditative. Then nothing distract you. When things distract you ,that simply shows that you are not really interested in those thing.

شادمانی هنگامی روی می دهد که تو با زندگیت هماهنگ هستی.چنان همساز که هر آنچه انجام می دهی مایهٔ مسرت توست.بعد ناگاه پی می بری که مراقبه در تعقیب توست.اگر عاشق کاری باشی که می کنی،اگر عاشق طریقهٔ زندگیت باشی،آن وقت در حال مراقبه ای.آن وقت هیچ چیز حواست را پرت نخواهد کرد.وقتی چیزها حواس تو را پرت میکنند،این خود نشانهٔ آن است که تو واقعا به آن چیزها علاقمند نیستی.

16 JAN

Be happy!and meditation will follow. Be happy and religion will follow. Happiness is a basic condition. People become religious only when they are unhappy-then their religion is pseudo.

شاد باش**!**مراقبه خودش به تو دست خواهد داد.شاد باش و مذهب خودش در پی خواهد آمد.شادمانی شرطی اساسی است.مردم،تنها وقتی مذهبی می شوند که غصه دار و اندوهگین اند- این است که مذهبشان دروغین است.

17 JAN

MEDITATION comes naturaly to a happy person. Meditation comes automatically to a joyous person. Meditation is very simple to a person who can celebrate,who can delight in life.

مراقبه به طور طبیعی به سراغ آدم شاد می آید.مراقبه به طور خودکار به سراغ آدم مسرور می آید. مراقبه برای آن کس که می تواند جشن بگیرد و به وجد در آید،بسی آسان است.

18 JAN

Te roses bloom so beautifully because they are not trying to become lotuses. And the lotuses bloom so beautifully because they have not heard te legends about other flowers. Everything in nature goes so beautifully in accord,because nobody is trying to compete with anybody,nobody is trying to become anybody else. Everything is the way it is.

Just see the point! Just be yourself! and remember you cannot be anything else,Whatsoever you do.All effort futile. You have to be just yourself.

گل های سرخ به این زیبایی می شکفند،چرا که سعی ندارند به شکل نیلوفرهای آبی درآیند و نیلوفرهای آبی به این زیبایی شکفته می شوند،چرا که دربارۀ دیگر گلها افسانه ای به گوششان نخورده است.همه چیز در طبیعت این چنین زیبا در تطابق با یکدیگر پیش می روند؛چرا که هیچ کس سعی ندارد با کسی رقابت کند،کسی سعی ندارد به لباس دیگری درآید.فقط این نکته را دریاب! فقط خودت باش و این را آویزۀ گوش کن که هر کاری هم که بکنی نمی توانی چیز دیگری باشی؛همۀ تلاش ها بیهوده است.تو باید فقط خودت باشی.

19 JAN

Don't be a slave. Follow society to the point you feel is needed,but always remain master of your own destiny.

برده نباش! تا آن حد از جامعه پیروی کن که احساس کنی ضرورت دارد،اما همواره ناخدای سرنوشت خویش باش.

20 JAN

Never sacrifice your life for anything! Sacrifice everything for life! Life is the ultimate goal- greater than country. Greater than any religion,greater than any GOD, greater than any scripture.

هگز زندگی ات را قربانی هیچ چیز نکن! همه چیز را قربانی زندگی کن! زندگی هدف غایی است – بزرگتر از هر کشوری،بزرگتر از هر کیشی،بزرگتر از هر بتی،بزرگتر از هر آرمانی.

21 JAN

LAUGHTER is very essence of religion. Seriousness is never religious,cannot be religious. Seriousness is of the ego,part of the very disese. Laughter is egolessness.

خنده دقیقن همان پایۀ عبادت است.جدی بودن هرگز عابدانه نیست و نمی تواند باشد.جدی بودن از منیت است،بخشی از همان بیماری است.خنده بی نفسی است.

22 JAN

The whole play of existence is so beautiful ,that laughter can be the only response to it. Only laughter can be the real prayer gratitude.

کل بازی هستی چنان زیباست که تنها خنده می تواند پاسخ آن باشد.تنها خنده می تواند عبادت و شکر واقعی باشد.

23 JAN

Remain herenow in this world,and continue on your way,and continue with deep laughter in your being. Dance your way to God! Laugh your way to God! Sing your way to God!

در این دنیا،هم اینجا هم اینک بمان و به راهت ادامه بده و با قهقهه ای برخاسته ازعمق وجودت ادامه بده.راهت را به سوی خدا برقص! راهت را بسوی خدا بخند! راهت را بسوی خدا آواز بخوان!

24 JAN

Love is a mirror. A real relationship is a mirror in which two lovers see each other's faces and recognize God. It is a path towards God.

عشق یک آینه است.رابطهٔ واقعی آینه ای است که در آن دو عاشق چهرهٔ یکدیگر را می بینند و خدا را باز می شناسند.این راهی به سوی پروردگار است.

25 JAN

My sannyasins belong to no race,to no country,to no religion. That's what my sannyans is all about:"getting out of all kinds of prisons." Becoming simply human;declaring one's universality,declaring that"The whole earth belongs to us."

سانیاسین های من به هیچ نژادی،به هیچ کشوری و به هیچ آئینی تعلق ندارند.لُب کلام سانیاس من این است:" بیرون آمدن از هر نوع زندان،فقط انسان شدن،اعلام جهان شمول بودن خود،اعلام اینکه تمام کرهٔ خاکی به ما تعلق دارد."

26 JAN

Real democracy means that the mob,the crowd,is no more in control of the individual life.Democracy is less a political phenomenon than a religious phenomenon;it is far more important than politics. Democracy is a totally new vision of life. It has not yet happened anywhere;it has yet to happen. Democracy means each individual has the right to live according to his light;he should not be prevented. Unless he becomes a disturbance or a nuisance to other he should be allowed every freedom in all the aspects of life. That's my vision of a really democratic world. That's my vision of a realy democratic world. That's how I would like my sannyasins to function: no interference in anybody's life. A great respect has to be given to the other.

معنای مردم سالاری واقعی آن است که مردم کوچه و بازار،جماعت مردم،دیگر در کنترل زندگی فردی نباشند.مردم سالاری بیشتر پدیده ای اخلاقیست تا سیاسی؛بسیار مهم تر از سیاست. مردم سالاری یک دیدگاه کاملا جدید نسبت به زندگیست.این چیزیست که هنوز هیچ کجا اتفاق نیفتاده؛هنوز باید اتفاق بیفتد. مردم سالاری به این معناست : هر فرد حق دارد مطابق نگرش خود زندگی کند؛نباید او را منع کرد.تا وقتی برای دیگران اسباب زحمت و دردسر نشده،باید امکان آزادی در همهٔ جنبه های زندگی برایش فراهم باشد. این نگرش من نسبت به دنیای مردم سالار واقعی است. دوست دارم سانیاسین ها هم به همین نحو عمل کنند: مداخله در زندگی هیچ کس. باید نسبت به دیگران احترام عظیمی قائل شد.

27 JAN

In love.one plus one becomes one,not two. In deep love,the twoness disappears. Mathematics is transcended;it becomes irrelevant. In deep love.two persons are no more two persons ,they become one. They start feeling,functioning,as one unit,as one organic unity,as one orgasmic joy.

در عشق،یک بعلاوۀ یک،یک می شود،نه دو. در عشق ژرف،دوگانگی محو می گردد.ریاضیات پشت سر گذاشته می شود؛نامربوط می شود.در عشق ژرف،دو فرد دیگر دو فرد نیستند. آنها یکی می شوند. شروع می کنند به عنوان یک واحد،به عنوان یک وحدانیت سازمند و تشکل یافته،به عنوان یک شعف مستی آور احساس کنند،عمل کنند.

28 JAN

The moment the ego disappears,all the secrest are open secrests.Life is not like a first;it is an open hand.

لحظه ای که نفس ناپدید شود،همۀ اسرار اسراری گشوده اند. زندگی مانند مشتی بسته نیست؛مشتی باز شده است.

29 JAN

Life is not esoteric at all.It is written on each leaf of each tree. On each pebble on the seashore;it is contained in each ray of the sun-whatever you come across is life in all it's beauty.

زندگی به هیچ روی اسرار آمیز نیست. زندگی بر هر برگ هر درخت،بر تک تک شنهای ساحل دریا نوشته شده؛زندگی در هر یک از انوار زرین آفتاب گنجانیده است.به هر چه برمی خوری زندگی است،با تمام زیبایی اش.

30 JAN

A religious person

Is more interested in the very source of his being,who he is :"who am I?" That is the MOST fundamental religious question- not God,not heaven,not hell,but "Who am I?"

یک سالک

بیشتر به منبع واقعی خویشتن خویش،اینکه کیست،علاقمند است:"من کی هستم؟" این بنیادی ترین پرسش عرفانیست- نه خداوند،نه بهشت،نه جهنم،بلکه "من کی هستم؟"

31 JAN

Life is not a punishment but a reward. You are rewarded by being given a great opportunity to grow,to see,to know,to understand,to be. I call life spiritual.In fact,to me,life and God are synonymous.

زندگی نه کیفر،که پاداش است. با فرصت عظیمی که برای رشد یافتن،دیدن،دانستن،درک کردن و بودن به تو ارزانی داشته اند،تو را پاداش داده اند.من زندگی را روحانی می خوانم.در حقیقت از دید من زندگی و خدا مترادف یکدیگرند.



FEBRUARY

1 FEB

Zen is the way of the spontaneous-the effortless effort,the way of intuition.

ذن راهی خود انگیخته است.تلاشِ بی تلاش،راه شهود یا درک مستقیم است.

2 FEB

Maturity is deep trust in your own consciousness; immaturity is a distrust in your own consciousness. Maturity has nothing to do with age because it has nothing to do with experience;maturity has something to do with responsiveness,freshness,virginity,innocence.

بلوغ اعتمادی ژرف به خودآگاهی خویش است؛عدم بلوغ بی اعتمادی نسبت به خودآگاهی خویش است.بلوغ کاری به سن ندارد،زیرا ربطی به تجربه ندارد؛بلوغ با تأثیر پذیری،طراوت،یکی بودن و معصومیت سر و کار دارد.

3FEB

I call a mind mature which retains the capacity to be surprised. A mind is mature if it goes on continuously being surprised,by others,by himself,by everything. Life is a contact wonder.

من ذهنی را کمال یافته می خوانم که ظرفیت حیرت کردن را حفظ کرده باشد.ذهنی بالغ است که مدام به شگفتی در آید،از دیگران،از خودش،از هر چیزی.زندگی حیرتی است همیشگی.

4FEB

If people can dance a little more,sing a little more,be a little more crazy,their energy will be flowing more,and their problems will by and by disappear. Hence I insist so much on dance. Dance to orgasm;let the whole energy become dance, and suddenly you will see that you don't have any head-the stuck energy in the head is moving all around,creating beautiful patterns,pictures,movment. And when you dance there comes a

moment when your body is no longera rigid thing,it becomes flexible,flowing. When you dance there comes a moment when your boundary is no longer so clear;you melt and merge with the cosmos,the boundaries are mixing.

اگر مردم بتوانند کمی بیشتر به جشن و پایکوبی بپردازند،کمی بیشتر آواز بخوانند،کمی بیشتر لوده باشند،انرژی آنها بیش از پیش به جریان افتاده،و مشکلاتشان به تدریج ناپدید خواهد شد. به همین دلیل من این قدر بر شاد زیستن اصرار دارم.شادمانی تا حد از خود بیخود شدن؛بگذار تمام انرژی به شور و شیدایی مبدل گردد و ناگهان خواهی دید که دیگر سر نداری- انرژی گیر کرده در سرت سراسر به جنبش در آمده،الگوها،تصاویر و حرکتی زیبا می آفریند و در این حال لحظه ای فرا می رسد که بدنت دیگر جسم سفت و سختی نیست؛انعطاف پذیر می شود؛جاری می شود.به هنگام شعف و شادی لحظه ای فرا می رسد که مرز تو دیگر آنقدرها واضح نیست؛تو ذوب می شوی،با کائنات در هم می آمیزی،مرزها در یکدیگر ادغام می شوند.

5FEB

Live,dance,eat,sleep,do things as totally as possible. And remember again and again. Whennever you catch yourself creating any problem, slip out of it,immediately.

زندگی کن،بگرد،بخور،بخواب،کارها را تا حد امکان کامل انجام بده و بارها و بارها به خاطر بسپار :وقتی مُچَت را در حال ایجاد هر مشکلی گرفتی،فورا پایت را بیرون بکش.

6FEB

If you live,ego disappears. Life knows no ego. It knows only living and living and living. Life knows no self,no center;life knows no separation.

You breath – life enters into you;you exhale you enter into life. There is no separation. You eat,and trees enter into you through the fruit. Then one day you die,you are buried in the earth and the trees suck you up and you become fruits. Your children will eat you again. You have been eating your ancestors – the trees have converted them into fruits. You think you are a vegetarian? Don't be deceived by appearances. We are all cannibals. Life is one,it goes on moving. It comes into you;it passes through you. In fact to say that it comes into you isn't right,because then it seems as if life comes into you,and then passes out of you. You don't exist – only this life's coming and going does. You don't exist – only life exists in its tremendous forms in its energy, in its millions of delights. Once you understand this,let that understanding be the only law.

اگر زندگی کنی نفس دود می شود و به هوا می رود.زندگی نفس نمی شناسد.تنها چیزی که می شناسد این است : زندگی کردن،زندگی کردن،زندگی کردن.زندگی هیچ خودی نمی شناسد،هیچ مرکزی ؛زندگی هیچ تفکیکی نمی شناسد.نفَس که می کشی،زندگی به درونت وارد می شود؛نَفَس را که بیرون می دهی،تو به زندگی وارد می شوی. هیچ تفکیکی وجود ندارد. میوه که می خوری،درختان از طریق آن میوه به درون تو راه می یابند. بعد یک روز میمیری،در خاک دفن می شوی و درختان شیره ات را می مکند و تو به صورت میوه در می آیی.فکر میکنی گیاهخواری؟ فریب ظواهر را نخور،ما همه آدم خواریم. زندگی یکی است،زندگی به حرکت ادامه می دهد.زندگی به درونت راه می یابد،از میان تو عبور می کند.در حقیقت اینکه بگوییم زندگی به درونت راه می یابد،صحیح نیست،زیرا با این وصف چنین مینماید که زندگی به درونت راه می یابد،و بعد از تو رخت برمی بندد. تو وجود نداری- تنها این آمد و رفت زندگیست که وجود دارد.تو وجود نداری- تنها زندگی به اشکال عظیم و فوق العاده ش وجود دارد،در میلیون ها مایهٔ سرور و شادمانی اش.روزی که این را فهمیدی،بگذار آن فهم "تنها قانون" باشد.

7FEB

Live here now! Living in hope is living in the future ,which is really postponing life. It is not a way of living ,but a way of suicide. There is no need for any hope and there is no need to feel hopeless. Live here now. Life is tremendously blissful,it is showering here and you are looking somewhere else.

هم اینک،همینجا زندگی کن! زندگی کردن در امید،زندگی کردن در آینده است،و این خود به تعویق انداختن زندگی به معنای واقعیست. این نه راه زندگی کردن،که راه خودکشی است.هیچ احتیاجی به امید نیست و هیچ احتیاجی به احساس ناامیدی نیست. هم اینک،همینجا زندگی کن. زندگی به طرز فوق العاده ای لذت بخش است.همینجا دارد می بارد و تو جای دیگری را می نگری.

8FEB

Meditation is a flower and compassion is its fragrance.

مراقبه گل است و مهربانی و دلسوزی عطر گل.

9FEB

Meditation has no frame: it is not a window,it is not a door. Meditation is not concentration,it is not attention – meditation is awareness.

مراقبه دارای هیچ چارچوبی نیست: مراقبه پنجره نیست،در نیست. مراقبه تمرکز نیست،مراقبه توجه نیست،مراقبه آگاهیست.

10FEB

Compassion arises only when you can see that everybody is related to you.Compassion arises only when you see that you are a member of everybody and everybody is a member of you. Nobody is separate. When the illusion or separation drops,compassion arises.

دلسوزی تنها هنگامی سربر می آورد که بتوانی ببینی که همه با تو خویشاوندی دارند. دلسوزی تنها هنگامی پدید می آید که ببینی تو عضوی از همه و همه عضوی از تو هستند. هیچ کس جدا نیست. وقتی توهم جدایی کنار رفت،دلسوزی سر بر می آورد.

11FEB

A really alive life is,in a way,chaotic. In a way,I say,because that chaos has its own discipline. It has no rules because it need not have any rules. It has the most basic rule in – bult in it – it need not have any external rules.

زندگی به واقع سرزنده و با نشاط،به تعبیری،آشفته و پر هرج و مرج است.می گویم به تعبیری،چون آن آشفتگی و هرج و مرج نظم خود را دارد. از هیچ قاعده ای برخوردار نیست،چون به هیچ قاعده ای نیاز ندارد. اساسی ترین قاعده را ذاتاً در خود داراست-اینکه به داشتن هیچ قاعدۀ بیرونی نیاز ندارد.

12FEB

All beliefs suffocate and beliefs help you not to be really alive. They deaden your being.

همهٔ باورها خفه کننده اند و همهٔ سرسپردگی ها به تو کمک می کنند تا زندهٔ واقعی نباشی.آنها موجودیت تو را میمیرانند.

13FEB

Clinging to anything,anything whatsoever ,shows distrust. If you love a woman or a man,and you cling,that simply shows that you don't trust.

دو دستی چسبیدن به هر چیزی،حال هر چه می خواهد باشد،نشانگر بی اعتمادی است.اگر به زن یا مردی عشق می ورزی و دو دستی به آن چسبیده ای،این به تمام معنا نشان می دهد که اعتماد نمی کنی.

14FEB

Boredom and restlessness are deeply related. Whenever you feel bordom,then you feel restlessness. Restlessness is a by – product of boredom.

بی حوصلگی و پریشانی عمیقاً بهم ربط دارند. هر گاه احساس بی حوصلگی کردی،بعد احساس پریشانی می کنی. پریشانی محصول فرعی بی حوصلگی است.

15FEB

Live more authentically.Drop the masks; they are a weight on your heart. Drop all falsities.Be exposed. Of course it is going to be troublesome but that trouble is worth it because only after that trouble will you grow and become mature. And then nothing is holding life. Each moment life

reveals its newness. It is a constant miracle happening all around you only you are hiding behind dead habits.

Become a Buddha if you don't want to be bored. Live each moment as fully alert as possible,because only in full alertness will you be able to drop the mask.

واقعی تر زندگی کن.نقاب ها را کنار بگذار،آنها بر قلبت سنگینی می کنند. همه ریاکاری ها را کنار بگذار.عریان باش.البته خالی از دردسر نخواهد بود،اما همین دردسر ارزش آن را دارد،زیرا تنها پس از آن دردسر است که رشد پیدا می کنی و بالغ می شوی.و بعد هیچ چیزی زندگی را باز نمی دارد. زندگی هر لحظه تازگی خود را آشکار می سازد،زندگی معجزه ای است همیشگی،که همه جا در پیرامون تو در حال وقوع است و تو صرفاً در پس عادات مرده در حال پنهان شدنی.اگر نمی خواهی ملول باشی،بودا شو.هر لحظه را تا حد امکان باهشیاری کامل زندگی کن،زیرا فقط در هشیاری کامل قادری نقاب را کنار بگذاری.

16FEB

Existence is available for those who are available to existence. And then I tell you,there is no boredom. Life is infinite delight.

هستی در دسترس کسانی است که خود در دسترس هستی اند،و آنگاه به شما قول می دهم،هیچ ملالتی در بین نیست. زندگی سُروری بی انتها است.

17FEB

Meditation is nothing but trying to clean your being,trying to become fresh and young,trying to become more alive and more alert.

مراقبهچیزی نیست جز سعی در پاکسازی وجود.سعی در یافتن طراوت و جوانی،سعی در دستیابی به راز زندگی و هشیاری بیشتر.

18FEB

A religious person is happy. Wherever he is ,he is in the temple. A happy person carries his temple around him. I know it because I have been carrying it. I need not go to any temple. Where I am is my temple,it is a climate,it is my own inner juice overflowing.

عارف فردی خوشحال است.هر جا که باشد،او در معبد به سر می برد.فردی خوشحال معبدش را دور خود حمل میکند.این را می دانم چون آن را با خود حمل کرده ام.من احتیاجی ندارم به هیچ معبدی بروم.هر جا هستم معبدم آنجاست.همان حال و هوا یا شرایط اقلیمی است؛عصارۀ درونی خود من در حال سرازیر شدن است.

19FEB

The ocean is not only hidden behind the waves,it is also manifesting itself in the waves.

اقیانوس نه تنها در پس امواج پنهان است،بلکه خود را در امواج آشکار می سازد.

20FEB

Love dispels fear just as light dispels darkness.

عشق ترس را زایل می گرداند،درست همانطور که روشنایی تاریکی را برطرف میکند.

21FEB

Life is illogicall.,it is wild. In life,contradictions are not contradiction but complementaries.

زندگی غیر منطقیست.وحشی است.در زندگی،تناقض ها تناقض نیستند،بلکه تعارف و تمجیدند.

22FEB

Love is illogical. Love is irrational.Love is life.Love is comprehends in it. Love is even capable of comprehending its own opposite – hate.

عشق غیر منطقیست.عشق نامعقول ست.عشق زندگیست.عشق تمامی تناقضت را در بر میگیرد.عشق حتا قادر است نقطهٔ مقابل خود-نفرت-را نیز در بر گیرد.

23FEB

Love's language is so foreign to the head. Head and heart are the farthest poles of reality. There is no greater distance between any other two points as there is between the head and the heart,reason and love,logic and life. If a person is mad because of his love,his madness is not a disease. In fact,he is the only healthy person,he is the only whole person,he is the only

holy person – because through his heart he has again become bridged with life.

زبان عشق برای ذهن بسیار بیگانه است.ذهن و قلب دورترین قطب های واقعیت هستند.فاصلهٔ هیچ دو نقطه ای دورتر از فاصلهٔ بین ذهن و قلب نیست.فاصلهٔ هیچ دو نقطه ای به اندازهٔ فاصلهٔ بین ذهن و قلب،عقل و عشق،و منطق و زندگی دور نیست.اگر کسی به خاطر عشق دیوانه شد،دیوانگی او بیماری نیست. در حقیقت او تنها فرد سالم،تنها فرد کامل و تنها فرد مقدس بر روی زمین است-زیرا از طریق قلبش از نو با زندگی پیوند خورده است.

24FEB

Move into the heart. Forgot reason and let love be your center,your target. Each breakdown can become a breakthrough,and each possibility for the failure of the head can become a success for the heart – the failure of the head can become a success for the heart.

به درون قلبت روانه شو.عقل را فراموش کن و بگذار عشق مرکز تو،آماج تو باشد.هر ناکامی می تواند به کامیابی تبدیل شود،و هر احتمال شکستن برای عقل می تواند به توفیقی برای دل،بدل گردد.

25FEB

A good man is an understanding man. A good man is alert,aware – that's all. Awareness is the only value for me – all else is meaningless.

انسان خوب،انسان فهیم است.انسان خوب هشیار و آگاه است-همین و بس.برای من تنها ارزش آگاهی است-و دیگر چیزها همه بی ارزش اند.

26FEB

Mind means words;self means silence. Mind is nothing but all the words that you have accumulated ;silence is that which has always been with you,it is not an accumulation. That is the meaning of self. It is your intrinsic quality.

ذهن یعنی واژه ها،خود یعنی سکوت.ذهن چیزی نیست جز همهٔ واژه هایی که اندوخته ای،سکوت همان چیزی است که همیشه با تو بوده است.اندوخته نیست.این مفهوم خود است.سکوت کیفیت اصلی و ذاتی توست.

27FEB

A very fundamental law of life is that if you become afraid,you give energy to the other to make you more afraid. The very idea of fear in you creates the opposite idea in the other.

یک قانون بسیار بنیادی زندگی آن است که اگر بترسی،انرژی را به طرف مقابل میدهی تا تو را بیشتر بترساند.خود ایدهٔ ترس در تو،عکس آن ایده را در طرف مقابل ایجاد می کند.

28FEB

Politics as been the disease of humanity,the cancer of consciousness. Drop all politics within you.

سیاست،بیماری بشریت-سرطانی به جان آگاهی-بوده است.همۀ سیاست بازیهای درونت را دور بریز.

29FEB

Religion is not based on belief or faith:religion is based on awe,religion is based on wonder. Religion is based on the mysterious that is your surround. To feel it,to be aware of it,to see it.open your eyes and drop the dust or the ages. Clean your mirror! And see what beauty surrounds you. What tremendous grandeur goes on knocking at your doors. Why are you sitting with closed eyes? Why can't you sitting with such long faces? Why can't you dance? and why can't you laugh?

دین بر پایۀ عقیده یا ایمان قرار ندارد.دین بر پایۀ بهت قرار دارد،بر پایۀ حیرت قرار دارد. دین بر رمز و رازی استوار است که پیرامون توست.برای اینکه آن را احساس کنی،از وجودش با خبر شوی و آن را ببینی،چشمهایت را باز کن و غبار دوره ها را کنار بزن،آیینه ات را پاک کن! و ببین چه زیبایی ای تو را احاطه کرده،چه عظمت خارق العاده یی مدام بر درهای تو می کوبد. چرا با چشمان بسته نشسته ی؟ چرا ماتم گرفته ای؟ چرا نمی توانی آواز سر بدهی؟ و چرا نمی توانی بخندی؟



MARCH

1MAR

Remember one thing: whatsoever gives you a feeling of ego is a bariier;whatsoever gives you a feeling of egolessness is the way.

یک چیز را به خاطر داشته باش: هر آنچه به تو احساسی از نفسانیت بخشد"مانع" است؛هر آنچه به تو احساسی از عدم نفسانیت بخشید "راه" است.

2MAR

The whole art meditation is,how to leave the personality easily,move to the center ,and be not a person . Just to be and not be a person is the whole art of meditation,the whole art of inner ecstasy.

همهٔ هنر مراقبه آن است که چطور به راحتی شخصیت را ترک کنیم،به سوی دل بشتابیم،شخص نباشیم.همین شخص بودن یا نبودن همهٔ هنر مراقبه و همهٔ هنر خلسهٔ معنوی است.

3MAR

When you love,everywhere is God;when you hate,everywhere is the devil . It is your standpoint that is projected onto reality.

وقتی عشق می ورزی،همه جا خداست؛وقتی نفرت می ورزی،همه جا شیطان است.این نقطه نظر توست که بر واقعیت فرافکنی می شود.

4MAR

Sex is a hot process,love is not. But all over the world people always talk about warm love. Love is not warm;love is absolutely cool,but not cold – it is not cold because it is not dead.It is cool,just like a cool breeze. But it is not hot,not warm.

آمیزش جنسی فرآیندی است داغ؛عشق اینطور نیست.اما در سراسر دنیا مردم همواره از عشقی سوزان دم می زنند. عشق گرم نیست؛عشق کاملاً خنک است،اما نه سرد-سرد نیست،چون مرده نیست.خنک است،درست مثل نسیمی خنک،ولی نه داغ است و نه گرم.

5MAR

Love is not manageable,it is simply something that happens,and the moment you try to manage it everything misfires.

عشق رام شدنی نیست،صرفاً چیزیست که روی می دهد،و لحظه ای که سعی میکنی مهار آن را به دست بگیری،همه چیز ناکام میماند.

6MAR

That is the whole art of life – to die moment to moment so that there is no hangover.

این همۀ هنر زندگیست: مردن لحظه به لحظه،به طوری که از خماری بامدادان خبری نیست.

7MAR

The real temple is freedom: dying moment to moment to the past and living the present. And freedom to move,to move into the dark,into the unknown – that is the door to the divine!

معبد واقعی آزادی است:گذشته را لحظه به لحظه مردن و حال را زندگی کردن،و آزادی حرکت،حرکت بسوی تاریکی،بسوی ناشناخته-این دری است که به بارگاه الهی باز می گردد.

8MAR

Love can never possess. Love is giving freedom to the other.Love is an unconditional gift,it is not a bargain.

عشق هرگز قادر به تملک نیست.عشق آزادی بخشیدن به دیگری است.عشق هدیه ای نامشروط است؛عشق معامله نیست.

9MAR

Death is the flower,life is nothing but the tree. And the tree is there for the flower,the flower is not there for the tree.The tree should be happy and the tree should dance when the flower comes.

"مرگ"گل است.زندگی چیزی نیست جز درخت.وجود درخت برای گل است،وجود گل برای درخت نیست. وقتی گل می آید درخت باید خوشحال باشد و درخت باید به رقص درآید.

10 MAR

Live each moment as if this is the last moment. And nobody knows – it may be the last.

هر لحظه را چنان زندگی کن که گویی واپسین لحظه است،و کی چه میداند-شاید که واپسین لحظه باشد.

11 MAR

Unless you know the self ,you will HAVE to live with an ego. Ego means a substitute self,a false self; you don't know the self,so you create a self of your own. It is a mental creation.

تا وقتی خود را نشناخته ای،مجبوری با نفس زندگی کنی.نفس به معنی جانشینی برای خود است،خودی کاذب.تو خود را نمی شناسی،بنابراین از خودت خودی می آفرینی. این یک آفرینش ذهنی است.

12 MAR

Attention is food for the ego;only a person who has attained to the self drops that need. When you have a center,your own,you need not ask for others'attention. Then you can live alone.

توجه غذای نفس ست؛فقط کسی که به خود رسید آن نیاز از سرش می افتد.وقتی مرکز داشتی-خودت-احتیاجی نداری توجه دیگران را گدایی کنی.آنگاه می توانی تنها زندگی کنی.

13 MAR

Life is always new,ALWAYS. Newness is the nature of life,Tao;nothing is old,can not be. Life never repeats,it simply becomes new every day,new every moment – and mind is old,hence mind and life never meet. Mind simply repeats,life never repeats – how can mind and life meet?

زندگی همیشه تازه است.همیشه.تازگی،طبیعت زندگی است؛تائو؛هیچ چیز کهنه نیست،نمی تواند باشد.زندگی هرگز تکرار نمی شود،فقط هر روز نو می شود،هر لحظه نو-و ذهن کهنه است؛از این رو ذهن و زندگی هرگز تلاقی نمی کنند.ذهن فقط تکرار می شود-زندگی هرگز تکرار نمی شود-ذهن و زندگی چگونه می توانند تلاقی داشته باشند؟

14 MAR

The whole effort of religion is :how to drop the mind and move into life,how to drop the repetitive mechanism and how to enter the evernew, evergreen phenomenon of existence.

همۀ تلاش دین این است:چطور ذهن را کنار بگذار و به سوی زندگی حرکت کن،چطور ساز و کار تکراری را ترک کن و چطور به پدیدۀ همیشه تازه و همیشه سبز هستی قدم بگذار.

15 MAR

Love is the first step towards the divine,surrender is the last. And two steps is the whole journey.

عشق نخستین گام به سوی کبریاست و تسلیم،آخرین گام؛و این دو گام کل سفر است.

16 MAR

Obedience has a certain dumbness about it,disobedience a sharp intelligence about it. But obedience is respected because obedience gives less inconvenience.

اطاعت بلاهتی خاص دارد،عدم اطاعت فراستی آشکار.اما اطاعت مورد ارج و احترام است،زیرا اطاعت دردسر کمتری را سبب می شود.

17 MAR

Don't be an interpreter of reality,be a visionary. Don't think about it,see it!

مفسر واقعیت نباش،نظاره گر باش.درباره اش فکر نکن،آن را ببین!

18 MAR

Too much concern about yourself is the greatest disease possible.

نگرانی بیش از حد دربارهٔ خود،بزرگترین بیماری ممکن است.

19 MAR

Death is beautiful only for those who have lived their life beautifully,who have not been afraid to live,who have been courageous enough to live – who loved,who danced,who celebrated.

مرگ تنها برای آن عده زیباست که زندگی خود را زیبا سپری کرده اند،آنان که از زیستن نهراسیده اند،انان که به قدر کافی شهامت زندگی کردن داشته اند-آنان که عشق ورزیده اند،انان که به رقص در آمدند،آنان که جشن گرفتند.

20 MAR

Life can be understood only if you are ready to go into the unknown. If you cling to the known ,you cling to the mind,and the mind is not life. Life is non-mental,non-intellectual,because life is total.

زندگی را زمانی می توانی دریابی که آمادهٔ ورود به ناشناخته باشی.اگر دو دستی به شناخته بچسبی،به ذهن چسبیده ای و ذهن زندگی نیست.زندگی،غیر ذهنی و غیر عقلانی است،زیرا زندگی تام و مطلق است.

21 MAR

Start dying each moment to the past. Clean yourself of the past each moment. Die to the known so that you become available to the unknown . Whith dying and being reborn each moment you will be able to live life and you will be able to live death also.

مردن هر لحظه به سوی گذشته را آغاز کن.هر لحظه خود را از گذشته پاک کن.برای شناخته بمیر تا برای ناشناخته در دسترس باشی.با هر لحظه مردن و از نو متولد شدن قادری زندگی را زندگی کنی و قادری مرگ را هم زندگی کنی.

22 MAR

Life should be religious and religion should not have any life, The distinction between the marketplace and the monastery should not be there. The monastery should be in the marketplace;the divine demention should become part of everyday life.

زندگی باید مذهبی باشد و مذهب نباید دارای هیچ حیاتی باشد.نباید بین بازار و صومعه فرقی باشد.صومعه باید در بازار باشد.باید عرصهٔ الهی به بخشی از زندگی روزمره بدل گردد.

23 MAR

Life is a woman,try to understand life and you will become a mess. Forget all about understanding . Just live and you will understand it. The understanding is not going to be intellectual.,theoretical;the understanding is going to be total.

زندگی یک زن است.کافی است سعی کنی آن را درک کنی،آن وقت مفتضح می شوی.همه چیزرا دربارهٔ درک کردن فراموش کن.فقط آن را زندگی کن و آن وقت خودت آن را خواهی فهمید.درک قرار نیست عقلانی و یا نظری باشد؛درک قرار است مطلق باشد.

24 MAR

Life is a mystery;the more you know it,the more beautiful it is. A moment comes when suddenly you start living it,you start flowing with it. An orgasmic relationship evolves between you and life,but you cannot figure out what it is. That's the beauty of it,that's its infinite depth.

زندگی یک راز است،هر چه آن ر بیشتر بشناسی،زیباتر است.لحظه ای فرا می رسد که ناگهان تو زیستن را آغاز میکنی.شروع میکنی به جاری شدن با آن رابطه،انزالی بین تو و زندگی شکل میگیرد،اما تو سر در نمی آوری که چیست.این زیبایی زندگی است،این ژرفای لایتناهی است.

25 MAR

A believing mind is a stupid mind,a trusting mind has pure intelligence in it. A believing mind is a mediocre mind;a trusting mind becomes perfect.Trust makes perfect.

ذهن باورکننده،ذهنی احمق است؛ذهن اعتماد کننده دارای فراستی ناب است.ذهن باور کننده ذهنی معمولی و پیش پا افتاده است،ذهن اعتماد کننده به کمال می رسد،اعتماد کمال در پی دارد.

26 MAR

A man alone,confined to himself.is ugly . Life is in love,life is in flow,in give and take and sharing.

انسان تک و تنها و به خود محدود،کریه و نفرت انگیز است.زندگی در عشق است،زندگی در جاری شدن است،در بذل و بخشش و تقسیم با دیگران است.

27 MAR

Love more and you will be more;love less and you will be less. You are always in proportion to your love. The proportion of your love is the proportion of your being.

اگر بیشتر عشق بورزی،بیشتری،اگر کمتر عشق بورزی،کمتری.تو همیشه در تناسب با عشقت هستی.تناسب عشقت تناسب بودن توست.

28 MAR

Man is a paradox.He is the tiniest particle of consciousness,an atom ,very atomic,and yet he contains the vast.The whole sky is contained in him.

انسان موجودی متناقض نماست.او کوچکترین ذرهٔ آگاهیست.یک اتم،بسیار هم اتمی،و با این وجود او وسعتی را شامل است.فلک به تمامی در او جای گرفته است.

29 MAR

This whole cosmos is a joke;Hindus call it LEELA.it is a joke,it is a play.And the day that you understand,you start laughing,and that laughing never stops. It goes on and on. It spreads all over the cosmos.

کل کاینات یک شوخی است.هندوآن را "لی لا"میخواند.یک لطیفه است،یک بازی است و روزی که فهمیدی به خنده می افتی و آن خنده هرگز متوقف نخواهد شد؛همین طور ادامه خواهد داشت.این خنده به سراسر پهنهٔ کائنات گسترش خواهد یافت.

30 MAR

Laughter is prayer,if you can laugh you have learnt how to pray. Don't be serious;a serious person can never be religious. A person who can laugh absolutely,who sees the whole ridiculousness and the whole game of life,becomes enlightened in that laugher.

خنده عبادت است.اگر بتوانی بخندی،چگونه عبادت کردن را آموخته ای،جدی نباش؛آدم جدی هرگز نمی تواند مذهبی باشد.آدمی که بتواند بی چون و چرا بخندد،آدمی که همهٔ مسخرگی و همهٔ بازی زندگی را می بیند،در میان آن خنده به اشراق می رسد.

31 MAR

Your treasure is in your own being – don’t look for it somewhere else. All palaces and all bridges to the palace are meaningless;you have to create your own bridge within your own being. The palace is there ;the treasure is there.

گنجینۀ تو وجود توست-جای دیگری به دنبالش نگرد.همۀ کاخ ها و همۀ پلهایی که به کاخ ختم می شوند،مهمل و بی معنی اند،تو باید پل خود را در درون وجود خودت خلق کنی،کاخ آنجاست؛گنجینه آنجاست.



APRIL

1APR

To me,religion simply means a dimention of love. I am here to show you the beauty of life,the grandeur that surrounds you. From that very grandeur you will have your first glimpeses of God.

برای من مذهب به معنی جنبه ای از عشق است. من اینجا هستم تا زیبایی زندگی،جلال و شکوهی که ترا احاطه کرده،به تو نشان دهم. تو از همان جلال و جبروت،نخستین تصاویر اجمالی ات را از خداوند در اختیار خواهی داشت.

2APR

Don't try to understand life. Live it! Don't try to understand love. Move into love. Then you will know – and that knowing will come out of your experiencing. That knowing will never destroy the mystery:the more you know,the more you know that much remains to be known.

سعی نکن زندگی را درک کنی.آن را زندگی کن! سعی نکن عشق را درک کنی.به درون عشق قدم بگذار.آن گاه در خواهی یافت...- و آن دریافت از تجربه کردن تو نشأت خواهد گرفت. آن شناخت هرگز این راز را از میان برنخواهد داشت: اینکه هر چه بیشتر بدانی،بیشتر در می یابی که چیزهای بسیاری برای شناختن باقیست.

3APR

Swimming is known only by swimming;love is known only by loving;prayer is known only by praying. There is no other way. Love can be known only by loving . It means you have to move into love without knowing anything about it . That's why it needs courage.

شنا کردن فقط با شنا کردن شناخته می شود،عشق فقط با عشق ورزیدن و عبادت فقط با عبادت کردن. راه دیگری وجود ندارد.عشق را فقط می توان با عشق ورزیدن شناخت.یعنی باید به درون عشق قدم بگذاری بی آنکه چیزی درباره اش بدانی. به همین دلیل هم عشق به شهامت نیاز دارد.

4APR

Love demands the impossible. It says :on the first step you have to drop the ego.

عشق محال را طلب می کند.عشق می گوید: در اولین گام باید نفس را رها کنی.

5APR

Love happens only when you are not there. Love happens only when you are surrendered to existence. Then there is a great orgasmic experience.

عشق فقط آنگاه حضور می یابد که تو نباشی.عشق فقط آنگاه رخ می دهد که تو به هستی سر تسلیم فرود آورده باشی و پس آنگاه یک تجربۀ خلسه آور دست می دهد.

6APR

Thinking is the absence of understanding. You think because you don't understand. When understanding arises,thinking disappears.

فکر کردن فقدان درک است.تو فکر میکنی چون درک نمی کنی. وقتی درک پدید آمد،فکر ناپدید می شود.

7APR

Communication is the mind: verbal,intellectual,conceptual. Communion is of no –mind,of deep silence; a transfer of energy,non- verbal ;a jump from heart to another – immediate,without any medium.

ارتباط متعلق به ذهن است: ارتباط کلامی،عقلی،فکری.اتصال به بی ذهنی،به سکوت عمیق تعلق دارد-یک انتقال انرژی،پیوندی غیر کلامی-پرشی از یک قلب به قلبی دیگر،آنی،بدون هیچ رابط یا واسطه.

8APR

Tantra says that before you make love to a woman or to a man,first pray – because it is going to be a divine meeting of energies. God will surround you. Wherever two lovers are,there is God,wherever two lovers'energies are meeting and mingling ,there is life,alive,at Its best;God surrounds you. Churches are empty ;love – chambers are full of God.

تانترا می گوید قبل از عشقبازی با یک زن یا یک مرد،ابتدا دعا کن-زیرا دیدار ملکوتی انرژی ها در راه است. خدا تو را احاطه خواهد کرد.هر جا که دو عاشق هست،خدا آنجاست. هر جا که انرژیها ی دو عاشق به هم می رسند و در هم می آمیزند زندگی آنجاست،زنده،به شایسته ترین وجه. خداوند ترا احاطه می کند.کلیساها خالی اند،کابین های عشق مملو از خدایند.

9APR

The spontaneous man is the way to the real man,to the essential man,to the God within. You cannot decied direction,you can only live this moment,that is available to you .By living it,direction arises.

انسان خود انگیخته راه رسیدن به انسان واقعی است،به انسان فطری،به خدای درون. تو نمی توانی دربارۀ مسیر تصمیم بگیری،فقط می تونی این لحظه را که

در دسترس توست،زندگی کنی. با زندگی کردن آن،خود به خود مسیر بوجود می آید.

10 APR

A total person cannot be killed,and a divided person never lives. A total person is already beyond death. Totally is beyond death.

انسان منسجم را نمی توان کشت و انسان منقسم هرگز زندگی نمی کند.انسان یکپارچه همین حالا هم فراتر از مرگ است.تمامیت و یکپارچگی فراتر از مرگ است.

11 APR

Life cannot be conquered because the part cannot conquer the whole. It is as if a small drop of water is trying to conquer the ocean.

زندگی قابل تسخیر نیست،زیرا جزء نمی تواند کل را به تسخیر درآورد.مثل آن است که قطرهٔ کوچکی آب سعی کند بر اقیانوس مسخر گردد.

12 APR

Take hold of your own life. See that the whole existence is celebrating. These are not serious,these birds are not serious. The rivers and the oceans are wild,and everywhere there is fun,everywhere there is joy and delight. Watch existence,listen to the existence and become part of it.

به زندگی خودت بچسب.ببین که تمامی هستی در حال جشن و پایکوبی ست.این درختان جدی نیستند،این پرنده ها جدی نیستند.رودخانه ها و اقیانوس ها وحشی اند و همه جا بازیگوشی است.همه جا سرور و شادمانی است.هستی را بنگر،به هستی گوش فراده و جزئی از آن شو.

13 APR

Trees are in love with the earth;the earth is in love with the trees. The birds are in love with the trees;the trees are in love with the birds. The earth is in love with the sky;the sky is in love with the earth. The whole existence exists in a great ocean of love. Let love be your worship,let love be your prayer.

درختان عاشق زمین اند و زمین عاشق درختان.پرندگان عاشق درختانند و درختان عاشق پرندگان.زمین عاشق آسمان است و آسمان عاشق زمین.سراسر هستی در اقیانوس عظیم عشق به سر میبرد.بگذار عشق نیایش تو باشد،بگذار عشق عبادت تو باشد.

14 APR

Truth has a tendency to reveal itself. Just be a little alert and your heart will show you the path. And then nothing will be able to hide behind love.

حقیقت گرایش به آشکار ساختن خود دارد.کافی است کمی هشیار باشی و آن وقت دلت راه را به تو نشان خواهد داد و بعد هیچ چیز قادر نخواهد بود در پس عشق پنهان شود.

15 APR

Whatsoever you love,you become. Love is alchemical. Never love the wrong thing,because it will transform you. Nothing is so transforming as love. Love something which can raise you higher,to higher altitudes. Love something beyond you.

به هر چه عشق بورزی ،همان می شوی.عشق کیمیاگر است.هرگز به آنچه بر خطاست عشق مورز،زیرا تو را استحاله خواهد کرد.هیچ چیز مسخ کننده تر از عشق نیست.عشق چیزی است که می تواند تو را به جایگاهی رفیع برساند؛به ارتفاعاتی بلندتر. به فراتر از خود عشق بورز.

16 APR

Love is a must.It is the only nourishment for the soul. The body can exist with food;the soul can exist only with love.Let it not remain just a word;allow it to become a penetrating experience.

عشق الزامی است.عشق تنها خوراک روح است.بدن می تواند بدون غذا سر کند،ولی روح فقط با عشق می تواند به حیاتش ادامه دهد. نگذار این کلام در حد الفاظ باقی بماند؛بگذار به تجربه ای نافذ بدل گردد.

17 APR

Sex is meaningful only when out of lust,love is born. Love is meaningful only when out of love.prayer is born.

آمیزش تنها وقتی با معناست که از روی شور و سرخوشی باشد،آن گاه عشق متولد می شود.عشق تنها وقتی با معناست که از روی عشق باشد،آن گاه عبادت زاییده می شود.

18 APR

A real religion gives you fearlessness;let that be criterion. If religion gives you fear,then it is not realy religion.

دین واقعی به تو بی باکی می بخشد؛بگذار معیار این باشد. اگر دین به تو هراس بخشید،واقعاً دین نیست.

19 APR

Beauty is not matter and beauty does not belong to parts. Once you dissect a flower,once the wholeness of the flower is gone,beauty is also gone.Beauty belongs to whole ,it is the grace that comes to the whole. It is more than the sum.

زیبایی ماده نیست و زیبایی به اجزاء تعلق ندارد.همین که گل را چیدی،همین که کلیت گل از بین رفت،زیبایی هم از بین رفته است. زیبایی به کل تعلق دارد؛این متانت است که به کل عرضه می شود.زیبایی فراتر از مجموع اجزاست.

20 APR

Peace has to dance and silence has to sing. And unless your innermost realization becomes a laughter. Something is still lacking. Something still as to be done.

باید آرامش به رقص درآید و سکوت به آواز و تا درونی ترین درک تو به خنده بدل نشده،هنوز چیزی کم است.هنوز کاری هست که باید انجام گیرد.

21 APR

Prayer is play.so if you go to the temple and you become very serious. You will miss the temple. Go to the temple to laugh ,go to the temple to enjoy,go to the temple to celebrate.

عبادت تفریح است.بنابراین چنانچه به معبد رفتی و خیلی جدی شدی،معبد را عوضی گرفته ای.برای خندیدن به معبد برو،برای شادمانی و لذت به معبد برو،برای جشن و سرور به معبد برو.

22 APR

Be ecstatic,joyful,celebrating,singing,dancing. Let God be allowed to be playful through you. Let playfulness be your only prayer .Let joy be your only worship.

سرمست باش،با نشاط باش؛در حال جشن و پایکوبی،در حال آوازخوانی،در حال رقص.بگذار کاینات از طریق تو مجال بازیگوشی بیابد.بگذاربازیگوشی تنها عبادت تو باشد.بگذار نشاط و شادمانی تنها نیایش تو باشد.

23 APR

Reality and unreality are not qualities of the objective world,they are subjective consciousness. For Buddha everything is real. For you,fast asleep,snoring,everything is unreal. Become more alert;the world becomes even more real.Become even more alert:the world becomes even more real. When you are at the peak of your awareness,the world is so radiantly real that it is difficult to call it matter. One has to call it God;nothing else will do.

واقعیت و عدم واقعیت خصوصیت های دنیای عینی نیستند،بلکه کیفیتهای خودآگاهی شخصی هستند.برای بودا همه چیز واقعی است. برای تو،که به سرعت به خواب رفته ای و خرناسه می کشی،همه چیز غیر واقعی است.هشیار تر شو تا دنیا واقعی تر گردد.باز هم هشیار تر شو تا دنیا بازهم واقعی تر گردد. وقتی در اوج آگاهیت هستی،دنیا چنان به شکل خیره کننده ای واقعی است که مشکل بتوان آن را ماده نامید.باید آن را خدا خواند؛اسم دیگری نمی توان روی آن گذاشت.

24 APR

Lust is the same energy as love;the difference is only of direction. Lust moves downwards,love has started the uphill task. Lust is like roots of a tree,love is like wings of a bird – but the energy is the same. All energy is the same.

انرژی شهوت مشابه انرژی عشق است.تفاوت این دو فقط در جهت است.شهوت سرازیر می شود و عشق راه سربالا را در پیش گرفته است. شهوت بمانند ریشه های درخت است و عشق به مانند بالهای پرنده –اما انرژی هر دو یکیست.همهٔ انرژیها یکی هستند.

25 APR

INSIDE you there is one stream of life and one stream of death. Body is the stream of death,soul is the stream of life. Soul never dies,body is never alive. With the soul – body together,the body reflects the life of the soul. It is simply luminous with the life of the soul.

درون تو جویباری از زندگی و جویباری از مرگ وجود دارد.جسم جویبار مرگ است و روح جویبار زندگی. روح هرگز نمی میرد.جسم هرگز زنده نیست. وقتی روح و جسم با هم به سر میبرند،جسم حیات روح را منعکس می سازد.جسم فقط با حیات روح تابناک و درخشان است.

26 APR

Man is a doer.Woman is a lover,not a doer. Man is the mind,woman is the heart. Man can create things ,but cannot give birth to life. For that,receptivity is needed,receptivity of the earth. The seed falls into it,disappears underground,and one day a new life arises.

مرد عامل است،زن معشوق؛نه یک عامل. مرد ذهن است،زن قلب. مرد قادر به خلق کردن است،اما زادن زندگی از او ساخته نیست.بدین سبب به قابلیتی نیاز است،قابلیت پذیرش زمین.دانه در دل خاک می افتد،در زیر خاک ناپدید می شود و روزی حیاتی نو سربر می آورد.

27 APR

God is a tremendous experience of light, of beauty,of splendor. God is not a word,it is a dimension.It is a vast ocean in which you disappear like a small drop.

خداوند تجربهٔ فوق العاده ای از نور،زیبایی و شکوه است. خدا واژه نیست،وسعت است؛اقیانوسی بی کرانه،که تو چون قطره ای در آن ناپدید می شوی.

28 APR

Delight,enjoy.God is not a thing,it is an attitude,an attitude of celebration and festivity. Drop sadness.He is so close by;dance!Drop long faces,it is sacrilege – because He is so close by.

خوش باش،لذایذ را دریاب.خداوند شیء نیست. موضع است.موضع جشن و سرور.غصه را دور بریز!او به تو خیلی نزدیک است؛به پایکوبی برخیز!این چهرهٔ ماتم زده را کنار بگذار.این توهین به مقدسات است-چه او بسیار نزدیک است.

29 APR

When the mind is with thoughts,the lake is with ripple;when the mind is without thoughts,the lake is without ripples.God is reflected perfectly when there is no ripple in you.

ذهن مملو از افکار،دریاچه ای مواج و پر چین و شکن است،ذهن عاری از افکار،دریاچه ای صاف و بدون چین و شکن است.خدا هنگامی به طور کامل در دریاچهٔ ذهن تو انعکاس می یابد،که تو عاری از چین و شکن باشی.

30 APR

Once you are free of past a tremendous realization happens;you are free of future also.

همین که از گذشته خلاص شدی،درکی فوق العاده به تو دست می دهد و تو از آینده نیز رها هستی.



MAY

1MAY

For an immortal life there can be no insecurity.Your immortality is not dependent on your bank balance; the beggar is as immortal as the emperor.

برای زندگی جاودانه،بی اعتباری جایی برای عرض اندام ندارد.نامیرایی تو به تراز بانکی تو وابسته نیست؛گداهمانقدر جاوید و نامیرا است که پادشاه.

2MAY

Existence is such an abundance – we cannot exhaust it. It is inexhaustible in its beauty,in its blissfulness,in its benediction.

هستی پر از نعمت و فراوانی است-ما قادر به تحلیل بردن آن نیستیم.هستی پایان ناپذیر است به لحاظ زیبایی،به لحاظ لذت بخش بودن و به لحاظ تبرکش.

3MAY

My whole love and respect is for the person who accepts himself totally,as he is. He has courage to face the whole pressure of the society which is bent upon splitting him into divisions – into good and bad,into saint and sinner.He is really a brave,courageouse being who stands against the whole history of man,of morality,and declares to the skies his reality,whatever it is.

همهٔ عشق و احترام من نثار کسی است که خود را در بست بپذیرد،همانگونه که هست.چنین آدمی شهامت دارد. شهامت دارد تا با همهٔ فشار اجتماعی که می خواهد او را شقه شقه کند- به خوب و بد،به قدیس و معصیت کار- به مقابله

برخیزد.او موجودی به واقع شجاع و با شهامت است،در برابر همهٔ تاریخ بشر،در برابر تاریخ اخلاق می ایستد و واقعیت خود را هر چه که هست،به آسمان ها اعلام میدارد.

4MAY

A moment of deep love goes so deep in your being that time cannot erase it.It goes on and on giving birth to itself within you.Hence I say that a moment of love is a moment of eternity.

لحظه ای عشق صمیمانه و ژرف چنان به اعماق وجودت رخنه می کند که زمان قادر به زدودن آن نیست.عشق آن قدر به پیشروی ادامه می دهد تا خودش را درونت متولد سازد.این است که می گویم لحظهٔ عشق لحظهٔ جاودانگی است.

5MAY

Don't be against your body;it is your home. Don't be against your consciousness,because without consciousness your house may be very decorated but it won't have any master,it will be empty. Together they create a beauty,a fuller life.

با جسم خود به مخالفت برنخیز،آن خانهٔ توست.برضد آگاهی ات نباش،زیرا بدون آگاهی شاید خانه ات بسیار آراسته باشد،اما صاحب خانه ای نخواهد داشت،تهی خواهد بود.آنها در کنار هم زیبایی و زندگی برتر و کامل تری می آفرینند.

6MAY

The heart has no question,yet it receives the answer. The mind has a thousand and one questions,yet it has never received any answer because it dose not know how to receive.

قلب هیچ پرسشی ندارد.با این وجود،پاسخ را قلب دریافت میکند.ذهن هزار و یک سؤال دارد،با این حال هرگز هیچ پاسخی دریافت نکرده است،زیرا نمی داند چطور دریافت کند.

7MAY

If you want to live a simple,a beautiful,a silent,a joyful,a blissful life,let the mind be ignored and let heart be restored its status as master. This is the whole work of a religious seeker;nothing more is needed.

اگر می خواهی یک زندگی ساده،زیبا،ساکت،پرنشاط و سعادتمند را زندگی کنی،بگذار ذهن مورد بی اعتنایی قرار گیرد و بگذار قلب جایگاهش را به عنوان فرمانده بازیابد.این همهٔ کار پویندگان دین است.به هیچ چیز دیگری احتیاج نیست.

8MAY

Everything can be sacrificed,but the individual cannot be sacrificed for anything. Individuality is the very flowering of existence –nothing is higher than it. But no culture,no society,no civilization is ready to accept a simple truth.

همه چیز می تواند قربانی فرد باشد،ولی فرد نمی تواند قربانی هر چیزی باشد.فردیت همان شکوفایی هستی است-هیچ چیز بالاتر از آن نیست.اما هیچ فرهنگی،هیچ اجتماعی،هیچ تمدنی آمادۀ پذیرش یک حقیقت ساده نیست.

9MAY

There is no other value which is higher than awareness. Awareness is the seed of godliness in you. When it comes to its full growth. You have come to the fulfillment of your destiny.

هیچ ارزشی بالاتر از آگاهی نیست.اگاهی بذر الوهیت در توست.وقتی آگاهی به رشد کاملش رسید،تو به تحقق سرنوشت خویش نایل گشته ای.

10 MAY

I want you to drop judgment and live a life without judgment,in its wholeness. And you will be surprised that wholeness is neither good nor bad. Wholeness is transcendental;it is beyond good and evil.

از تو می خواهم داوری را کنار بگذاری و زندگی عاری از داوری را زندگی کنی-در کلیت زندگی و تعجب خواهی کرد که،کلیت نه خوب است و نه بد.کلیت چیزی فراتر از جهان مادی است،فراتر از خیر و شر.

11 MAY

Love neither interferes in anybody's life nor allows anybody else to interfere into one's own life. Love gives individuality to others,but does not lose its own individuality.

عشق نه در زندگی کسی مداخله میکند و نه اجازه میدهد کسی در زندگی کسی دخالت کند.عشق به دیگران فردیت می بخشد،اما فردیت خود راااز دست نمی دهد.

12 MAY

Life is closer to music than to mathematics,because mathematics is of the mind,and life throbs in your heartbeats.

زندگی به موسیقی نزدیکتر است تا به ریاضیات،زیرا ریاضیات به ذهن تعلق دارد و زندگی در ضرب آهنگ های قلب تو به تپش در می آید.

13 MAY

People say love is blind because they do not know what love is. I say unto you,only love has eyes;other than love,everything is blind.

مردم می گویند عشق کور است،زیرا نمی دانند عشق چیست.من به تو می گویم فقط عشق چشم دارد؛به غیر از عشق همه چیز نابیناست.

14 MAY

Love makes you empty- empty of jealousy,empty of power trips,empty of anger,empty of competitiveness,empty of your ego and all its garbage. But love also makes you full of things which are unknown to you right now;it makes you full of fragrance,full of light,full of joy.

عشق تو را خالی می کند-خالی از حسد،خالی از نشئهٔ قدرت،خالی از خشم،خالی از رقابت جویی،خالی از نفس تو و همهٔ نخاله هایش. در عین حال،عشق تو را سرشار از چیزهایی می کند که اینک برای تو ناشناخته اند؛عشق تو را از رایحه ای خوش آکنده می سازد،آکنده از نور،آکنده از نشاط.

15 MAY

All that can be experienced is not necessarily explainable, and all that can be explained is not necesserily experienceable.

همهٔ چیزهایی که قابل تجربه اند،لزوماً قابل توجیه نیستند و همهٔ چیزهایی که قابل توجیه اند قابل تجربه نیستند.

16 MAY

Belife is like plastic flowers,which look like flowers form far away.Trust is a real rose. It has roots go deep into your heart and into your being.

اعتقاد مانند گل های پلاستیکی است،که از دور به گل می ماند.اعتماد،گل سرخ واقعی است؛گل سرخی ریشه دار که ریشه هایش در اعماق دل و در وجود تو لانه می کند.

17 MAY

I am introducing a totally new vision,that men and women together in deep friendship,in a loving,meditative relationship,as organic wholes,can reach the goal any moment they want. Man and woman are two parts of one whole.

من دورنمای کاملاً جدیدی راعرضه می دارم:اینکه مردان و زنان با هم صمیمیتی ژرف،در رابطه ای عاشقانه،مکاشفه گرانه،به عنوان کل هایی سازمند و تشکل یافته،هر لحظه که بخواهند می توانند به هدف برسند.مرد و زن دو جزء از یک کل هستند.

18 MAY

And to me,just as man and woman are halves of one whole,so are love and meditation. Meditation is man;love is woman.In the meeting of meditation and love is the meeting of man and woman. And in that meeting,we are create the transcendental human being – which is neither man nor woman.

و ز دید من همانطور که مرد و زن نیمه های یک کل هستند،عشق و مکاشفه نیز چنین اند.مکاشفه مرد است؛عشق زن،ملاقات مکاشفه و عشق ملاقات مرد و زن است و در آن ملاقات،ما انسان متعالی و فرامادی را خلق می کنیم- که نه مرد است و نه زن.

19 MAY

It seems to be a fallacy all over the world that just because you are born you know how to live. This is not right. To be born is one thing. To know the art of living and of living fully is totally different.

ظاهراً عقیدۀ نادرستی در سراسر دنیا وجود دارد: اینکه فقط به این خاطرکه به دنیا آمده ای،می دانی چطور زندگی کنی.این درست نیست.به دنیا آمدن یک چیز است،علم به هنر زیستن و زیستن تمام و کمال چیزی کاملا متفاوت.

20 MAY

There are people for whom life is a drag,and there are people for whom even deth is a dance. I want to say you that if you make your life an art,yur death will be the culmination of the art- the highest peak,a beauty in itself.

افرادی هستند که زندگی وبال گردنشان است و افرادی نیز هستند که حتا مرگ هم برای آنان رقص و پایکوبی است. می خواهم به تو بگویم اگر از زندگی ات هنر بیافرینی،مرگ تو کمال آن هنر خواهد بود- بالاترین قله،به خودی خود یک زیبایی وصف ناشدنی.

21 MAY

Express your uniqueness in whatsoever you do. Express your indiduality.Let existence be proud of you. Life will not be felt like a drag;it will become a fragrance.

در هر کاری که انجام می دهی بی همتایی خویش را عرضه کن.بگذار هستی به تو افتخار کند.آنگاه زندگی،همچون وبالی بر گردن احساس نخواهد شد؛زندگی به عطری دل انگیز بدل خواهد شد.

22 MAY

It is such a small life. Take risks,be a gambler-what can you lose? We come with empty hands,we go with empty hands. There is nothing to lose.just a little time to be gone. Each moment is so precious.

زندگی بسیار کوتاه است.خطر کن،پای میز قمار زندگی بنشین! چه می توانی از دست بدهی؟ما با دستانی خالی آمدیم،با دستان خالی هم خواهیم رفت.چیزی برای از دست دادن وجود ندارد.فقط کمی وقت برای بازیگوشی،برای زمزمهٔ آوازی دل انگیز باقی است،و زمان از دست رفته است.هر لحظه بسی گرانبهاست.

23 MAY

Existence is such a mystery that it can give to each person infinite treasure,eternal life,unbounded beauty.

هستی چنن مرموز است که می تواند به هر کس گنجینه ای بی پایان،زندگی جاودانه،زیبایی بی حد و حصر رزانی دارد.

24 MAY

Life is a mystery,not a question. Not a puzzie to be solved,not a question to be answered but a mystery to be lived,a mystery to be loved,a mystery to be danced.

زندگی یک راز است،نه یک پرسش؛نه معمایی برای حل کردن،نه پرسشی برای پاسخ گفتن،بلکه رازی برای زندگی کردن،رازی برای عشق ورزیدن،رازی برای رقصیدن.

25 MAY

Existence is,and it is tremendously beautiful,psychedelically colorful. It is song and dance and celebration all over. But please don't ask any question or any answer. It is a mystery.

هستی هست و هستی فوق العاده زیباست؛هستی به شکل وهم انگیزی رنگارنگ است.هستی سراسر آواز و جشن و پایکوبی است ولی خواهش می کنم نه سؤال کن و نه پاسخی بخواه.هستی یک راز است.

26 MAY

Meditation is just a courage to be silent and alone.Slowly slowly,you start feeling a new quality to yourself,a new aliveness,a new beauty,a new intelligence-which is not borrowed from anybody,which is growing whithin you. It has roots in your existence.

مراقبه صرفاً شهامت ساکت و تنها بودن است و تو آهسته آهسته کیفیت جدیدی را در خود احساس می کنی- زنده بودنی جدید،زیبایی و ظرافتی جدید،هوشی جدید- که از هیچ کس به عاریت گرفته نشده،که در درون تو در حال نشو و نماست.
کیفیتی که ریشه اش در وجود تو است.

27 MAY

Life is a beautiful journey if it is a process of constant learning,exploration. Then it is excitement every moment,because every

moment you are opening a new door,every moment you are comingin contact with a new mystery.

زندگی سفری زیباست،به این شرط که فرآیند یادگیری و اکتشاف پیوسته ای باشد.آن گاه هر لحظه واقعه ای مهیج است.زیرا هر لحظه تو در جدیدی را می گشایی،هر لحظه تو در تماس با اسرار تازه ای قرار می گیری.

28 MAY

To forget yourself is the only sin.And to remember yourself is the only virtue.

تنها گناه،خود را فراموش کردن است و تنها فضیلت،به خاطر سپردن خود.

29 MAY

Miracles are all over;one just needs a sensitive heart,a perceptive eye,and you will seematter and spirit dancing together everywhere.

معجزات همه جا پراکنده اند؛فقط به قلبی حساس و چشمی تیزبین احتیاج است و تو خواهی دید که ماده و روح همه جا در رقص با یکدیگرند.

30 MAY

To ask for perfection is to ask for deth.Death is the full-stop. In life you can use commas,semi-colons,but never a full-stop.

طلب کمال،طلب مرگ است.مرگ نقطهٔ پایان جمله است.در زندگی،تو می توانی از ویرگول ها و نقطه ویرگول ها استفاده کنی،ولی نقطه هرگز.

31 MAY

To me,imperfection is not something to be condemned:it is something to be rejoiced in,something to be appreciated-because it is the principle of life itself.

برای من کامل نبودن چیزی نکوهیده نیست؛چیزی است که می توان در آن مشعوف شد،چیزی که باید قدر آن را دانست،زیرا خودش قاعدهٔ زندگی است.



JUNE

1 JUN

Ten non-commandments :

Freedom
uniqueness of individuality
LOVE
meditation
non-seriousness
playfulness
creativity
sensitivity
gratefulness

a feeling of the mysterious

These ten-non commandments constitute my basicattitude towards reality. towards man's freedom from all kinds of spiritual slavery.

ده نا فرمان:
اول: آزادی
دوم: فردیت و یگانگی
سوم: عشق
چهارم: مراقبه
پنجم: جدی نبودن
ششم: بازیگوشی
هفتم: خلاقیت
هشتم: حساسیت
نهم: سپاسگزاری
دهم: احساسی از رمز و راز

این ده غیر فرمان نگرش مرا نسبت به واقعیت،نسبت به آزادی انسان از همه نوع بردگی روحی تشکیل می دهند.

2JUN

Existence is very compassionate.If we are ready to open our hearts without olding anything back,then immense treasures become available to us.

هستی بسیار بخشنده است.اگر ما آماده باشیم در دلهایمان را بدون محرم نگاه داشتن چیزی بگشاییم،ان وقت گنجینه های فراوانی در دسترس ما قرار می گیرد.

3JUN

Try to find your individuality,your integrity,and make te effort of not

compromising.Beacause the more you compromise,the less you are an individual. You are only a cog in the wheel,just a part in the vast mechanism,just a smal part of the mob-not an individual in your own beauty,in your own right.I am absolutely against compromise. Death is far more beautiful than a life of compromise.

سعی کن فردیت خویش را پیدا کنی و بر آن باش به سازش تن ندهی،زیرا هر قدر بیشتر حد میانه را بگیری،کمتر یک فرد هستی. تو فقط یک دندانه در چرخ دنده ای،فقط جزیی از این ساز و کار عظیم،فقط بخش کوچکی از این جمعیت انبوه-نه یک فرد به لحاظ زیبایی یا به لحاظ حقوقش.من صد در صد با سازش مخالفم.مرگ بسیارزیبا تر از زندگی همراه با سازش است.

4JUN

Enlightenment is the ultimate peak of sanity – when one becomes perfectly sane,has come to a point where silence,serenity,consciousness are twenty-four hours is,walkingor sleeping. There runs a current of tranquility,blissfulness,benediction which is a nourishment,food from the beyond.

اشراق اوج سلامت شعور است-وقتی شخص در سلامت کامل شعور به سر می برد،به نقطه ای رسیده که در آنجا سکوت،سکون و خود آگاهی بیست و چهار ساعته به او تعلق دارند؛چه در حال بیداری و چه در حال خواب.آنجا رودخانه ای سیال از آرامش،سعادت و دعای خیر جاری است،نهری از شیر و عسل که مایده و خوراکی است از فراسو.

5JUN

We need wings-wings of love,not of logic. Logic pulls you downwards. It is under the rule of gravitation. Love takes you towards the stars. Allow the mystic in you,and you have found all that is worth finding.

ما به بال احتیاج داریم-بال های عشق،نه بال های منطق.منطق تو را به سمت پایین می کشد.منطق تابع قانون جاذبه است.عشق تو را به سوی ستاره ها می

برد. به عارف درونت میدان بده،و خواهی دید که همهٔ چیزهایی که ارزش یافتن دارند،یافته ای.

6JUN

Just relax more,and leave everything in the hands of existence…a total trust and a complete passivity.Your absence is the presence of godliness. The moment you are not,the miracle as happened.

فقط بیشتر آرام بگیر،و همه چیز را بر عهدهٔ هستی بگذار...با اعتمادی دربست و انفعالی کامل.غیبت تو حضور الوهیت است.لحظه ای که تو نیستی،معجزه روی داده است.

7JUN

Growing old,any animal is capable of.Growing up is the prerogative of human beings.Only a few claim the right.In life,growing up means growing deep within yourself-that's where your roots are.

هر جانوری مستعد پیر شدن است،ولی رشد کردن امتیاز انحصاری انسان است و فقط تعداد انگشت شماری مدعی این امتیاز هستند. در زندگی،رشد کردن یعنی حرکت به اعماق درون-در همانجا که ریشه هایت قرار دارند.

8JUN

Life must be a seeking-not a desire,but a search;not an ambition to become this,to become that,a president of a country or a prime minister of a country,but a search to find out"Who am I?"

زندگی باید سراسر کند و کاو باشد-نه آرزو،بلکه کاوش؛نه بلند پروازی برای یا آن شدن،رییس جمهور یک کشور یا نخست وزیر یک کشور،بلکه جستجو برای کشف اینکه :"من کی هستم؟"

9JUN

Life should be a continuouse celebration,a festival of lights the whole year round.Only then you can grow up,you can blossom.Transform small things into celebration.

زندگی باید جشنی یکسره و دایمی باشد؛جشن نورها در سراسر سال.تنها آنگاه می توانی رشد کنی،شکوفا شوی.چیزهای کوچک و پیش پا افتاده را به جشن مبدل کن.

10JUN

Meditation is the flight beyond the mind.It has nothing to do with mental peace.Meditation is the ultimate experience of blissfulness.

مراقبه پرواز به فراسوی ذهن است.آن را با آرامش ذهنی کاری نیست.مراقبه نهایت و اوج تجربهٔ لذت است.

11JUN

History repeats itself because history belongs to te unconscious mob.Existence never repeats itself.It is very creative and very inventive.

تاریخ،خود راتکرار میکند،زیرا تاریخ به جماعت ناآگاه تعلق دارد.هستی هرگز خود را تکرار نمی کند.هستی بسیار پویا و بسیار مبتکر ست.

12JUN

All the religions have been teaching,"Renounce The world." I teach you,transform the world.

بیشتر مذاهب و فرق این نکته را تعلیم داده اند:"از دنیا دست بشوی." من به تو تعلیم می دهم:"دنیا را دگرگون کن."

13JUN

Let love become a help for your spiritual growth. Let love become a nourishment to your heart and a courage so that you can open your heart,not only to one individual but to the whole universe.

بگذار عشق در تعالی معنوی یاورت شود.بگذار عشق خوراک قلبت شود و شهامتی که بتوانی دریچه دلت را نه تنها به روی یک فرد،که به روی سراسر گیتی بگشایی.

14JUN

Maturity has a fragrance.It gives a tremendous beauty to the individual.It gives intelligence,the sharpest possible intelligence. It makes him nothing but love;his life is love,his deth is love.He is justa flower of love.

بلوغ دارای عطری خوش است.بلوغ زیبایی فوق العاده ای به فرد می بخشد؛هوش به ارمغان می آورد،تیز ترین هوش ممکن. او را سراپا عشق می سازد،عمل او عشق است،بی عملی او عشق است،زندگی او عشق است،مرگ او عشق است.او فقط و فقط گل عشق است.

15JUN

Watchfulness is the greatest magic that one can learn,beacause it can begin the transformation of your whole being. It is only through watchfulness that resurrection happens… you are reborn.

گوش به زنگ بودن بزرگترین جادویی است که می توانی بیاموزی،زیرا می تواند آغازگر دگردیسی تمامی وجودت باشد.فقط از طریق گوش به زنگ بودن است که رستاخیز اتفاق می افتد و تو از نو متولد می شوی.

16JUN

Remember only one thing; your basic nature is absolute silence,serenity,peace,almost a nothingness,an emptiness.And that is your Buddha-nature,that is your nature awakened to its own potential.

فقط یک چیز را به خاطر داشته باش: ماهیت اصلی تو سکوت،سکون و آرامش مطلق است؛تقریباً یک نیستی،یک خلاء،و این ماهیت بودای توست.ماهیت تویی که تا حد توانش بیدار گردیده.

17JUN

There is nowhere to go and there is nothing to attain. You are already there where you need to be.
Seeking is the only sin.Searching is the only way of going astray.

هیچ جایی برای رفتن و هیچ چیزی برای رسیدن وجود ندارد.تو در حال حاضر همانجایی هستی که لازم است باشی. تنها گناه،طلب کردن است و تنها راه گمراهی،گشتن.

18JUN

Dropping attacments is really dropping all slavery and dependence on things and people. It brings to you a great freedom-the only authentic freedom.

رها کردن پیوستگی ها در وقع دست کشیدن از همه نوع بردگی و وابستگی به اشیا و آدمهاست.این آزادی عظیمی برای تو به ارمغان می آورد-تنها آزادی اصیل و واقعی.

19JUN

Te world is not the problem,the problem is your unawareness.Renounce your unawareness,don't be bothered with the world.

مشکل دنیا نیست،مشکل ناهشیاری توست.از ناهشیاری خود دست بردار و از دست دنیا آزار نبین.

20JUN

What you see in the world is not the reality,but only an appearance.Deep behind the appearance,the mask,is the reality. To know the reality you have to be free frome appearances.

آنچه در دنیا می بینی نه واقعیت،که ظاهری بیش نیست.عمیقاً در پشت این ظاهر-این نقاب- واقعیت قرار دارد.برای شناخت واقعیت باید از ظواهر رها باشی.

21JUN

Meditation is the antidote to all the posisons of your life.It is the nourishment of your authentic nature.

مراقبه،پادزهر همهٔ زهرهای زندگی توست.مراقبه،خوراک ماهیت اصیل توست.

22JUN

An authentically religious man is individual.He is alone,and in his aloneness there is great beauty ,great splendor.
I teach you that aloneness,I teach you the beauty,and the grandeur,and the fragrance of aloneness.

پارسای واقعی فرد است.او یکتاست و در یگانگی اش زیبایی و شکوه و درخششی عظیم نهفته است. من آن یگانه بودن را به تو می آموزم.من آن زیبایی،آن شکوه و عطر خوش یکتایی را به تو می آموزم.

23JUN

Never become a beliver,never become a follower,never become a part of any organization.Remain authentically true to yourself.Don't betray yourself.

هرگز هودار نباش،هرگز دنباله رو نباش،هرگز عضوی از هیچ بساط و تشکیلاتی نباش. به راستی به خودت وفادار باش؛به خود خیانت نکن.

24JUN

A man of meditation functions differently.Whatever profession he chooses,it does not metter.He will bring to his profession some quality of sacredness.

آدم اهل مراقبه به طرز متفاوتی عمل می کند.مهم نیست چه حرفه ای انتخاب کند،و کیفیتی از قداست را برای حرفه اش به ارمغان خواهد آورد.

25JUN

An authentically religious man belongs to no nation and to no race and to no color.He belongs to te wole humanity.All the nations are his.

متدین واقعی به هیچ مذهبی،به هیچ ملتی،به هیچ نژادی و به هیچ رنگی تعلق ندارد.او به کل انسانیت تعلق دارد.همهٔ ملت ها مال او هستند.

26JUN

Mind opens outside;meditation opens inside.Mind is a door that leads you Outside in the world;meditation is the door that leads you to your interiority- to the very innermost shrine of your being.And suddenly,you are enlightened.

ذهن به بیرون باز می شود و مراقبه به درون. ذهن دری است که در دنیا تو را به بیرون رهنمون است و مراقبه دری که تو را به عالم درون هدایت می کند- درونی ترین زیارتگاه وجودت-و ناگهان تو به اشراق می رسی.

27JUN

Religion is rebellious,and the man of religion is a rebel.He is rebellious against all orthodoxy,against all traditions,against all organizations,against all ideologies.His only love is for truth,and his whole love is for truth.Only such a man finds it.

مذهب سرکش است و انسان مذهبی عصیانگر.او بر ضد همهٔ راست دینی ها،بر ضد همهٔ سنت ها بر ضد همهٔ ایدئولوژی ها به عصیان بر می خیزد.تنها عشق او،عشق به حقیقت است و همهٔ عشق او برای دستیابی به حقیقت.فقط چنین انسانی آن را می یابد.

28JUN

Live life in its totality.And living in the world,don't be of it.Live in the world like a lotus flower in water:it lives in water,but the water touches it not.

زندگی راباتمامیت آن زندگی کن و در دنیا زندگی کن،از آن نباش.در دنیا همچون نیلوفر آبی زندگی کن،در آب: نیلوفر آبی در آب زندگی میکند،ولی آب به آن دست نمی یازد.

29JUN

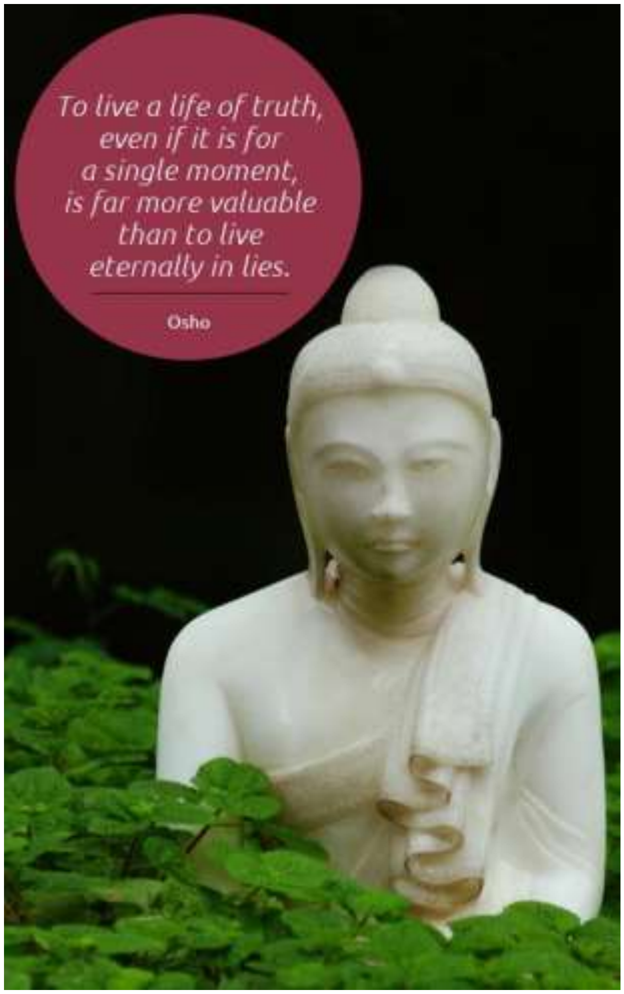
Science now needs great meditators,otherwise this earth is doomed.Science now needs people who can use their minds,who are masters of their being,who can use science in a conscious way.Otherwise we are on the verge of committing universal suicide.

اکنون،علم به مراقبه گران بزرگی نیاز دارد،وگرنه این کرۀ خاکی محکوم به نابودی است.اینک علم به افرادی احتیاج دارد که بتوانند اذهان خود را به کار گیرند،کسانی که مالک وجود خویش اند،کسانی که قادرند علم را به شیوه ای خودآگاهانه به کار گیرند. در غیر این صورت ما در مرز یک خودکشی جهانی به سر می بریم.

30JUN

Politicians are the most immature minds in the world.Only third-rate minds become interested in politics;mediocre people and people who are suffering from an inferiority complex,they become politicians.

سیاست بازان نابالغ ترین اذهان دنیا هستند.فقط ذهن های دست سوم به تزویر علاقمند می شوند؛افراد پیش پا افتاده و افرادی که از عقدهٔ حقارت رنج می برند،سیاست باز می شوند.


To live a life of truth,
even if it is for
a single moment,
is far more valuable
than to live
eternally in lies.
Osho

JULY

1 JULY

As you become more and more sensitive,more and more sensuouse ,you will see more and more beauty around.The deeper your insight,the greater the beauty .And when you see this whole existence as a tremendous dance, a celebration you are liberated bye it. It is celebration that liberates,it is love that liberates,it is beauty that liberates-it is not metaphysics or philosophy.

هر قدر حسس تر و حساس تر می شوی-پر احساس تر و پر احساس تر-زیبایی بیشتر و بیشتری را پیرامون خود خواهی دید.بصیرت تو هر قدر ژرف تر باشد،این زیبایی عظیم تر است و وقتی تو کل هستی را به شکل رقصی با شکوه،یک جشن،می بینی،به این وسیله آزاد می شوی. این جشن است که آزادی می بخشد،عشق است که آزادی می بخشد،این زیبایی است که آزدی می بخشد،نه علوم ما بعد الطبیعه یافلسفه.

2JULY

A man who trusts himself comes to know the beauty of it-comes to know that the more you trust yourself,the more you bloom;the more you are in a state of let-go and relaxation,the more you are setteled and serene,the more you are calm,cool and quiet.

کسی که به خودش اعتماد می کند،نسبت به زیبایی ش شناخت می یابد- به این شناخت می رسد که هر قدر بیشتر به خود اعتماد کنی،بیشتر شکوفا می شوی؛بیشتر در حالتی از رهایی و فراغی بال قرار داری. هر قدر بیشتر در صلح و صفا و آسودگی خیال باشی،ساکن تر و خنک تر و ساکت تری.

3JULY

To discover truth is arduous,it needs a long pilgrimage.It needs a great emptying of the mind,it needs a great cleansing of the heart.It needs a certain innocence,a rebirth:you have to become a cild again.

کشف حقیقت طاقت فرساست،به سفر زیارتی دور و درازی نیاز دارد. به تخلیهٔ فوق العادهٔ ذهن،به پاکسازی فوق العادهٔ دل،به معصومیتی خاص و به تولدی دوباره نیز دارد. از نو باید کودک شوی.

4JULY

Poetry is the whole descending into the part,the ocean disappearing into the dewdrop.Poetry is a miracle.

شعر و شاعری سرازیر شدن کل به درون جزء است.ناپدید شدن اقیانوس به درون قطرهٔ شبنم.شاعری معجزه است.

5JULY

To live without the ego is grace,is music ;to live without the ego is to live ,to really live.That life I call poetry:the life of one who is surrendered to existence.

زندگی بدوننفس فیض الهی است،موسیقی است؛زندگی بدون نفس زیستن است،واقعاً زیستن.من این زندگی راشاعری می خوانم: زندگی کسی که تسلیم هستی شده.

6JULY

Life-affirmation,not life-negation,is religion-because God is life,and there is no other God.God is the green of the trees and the red of the trees and the gold of the trees.God is all over the place.Only God is.To deny life means to deny God,to condemn life means to condemn God,to renounce life means you are thinking yourself wiser than God.

تأیید زندگی(و نه نفی زندگی) دین است-زیرا خدا زندگی است و هیچ خدای دیگری جز خدای یگانه نیست.خدا سبزی درختان،سرخی درختان و زردی درختان است. خدا همه جا هست.فقط خدا هست.انکار زندگی یعنی انکار خدا،نکوهش زندگی یعنی نکوهش خدا،چشم پوشیدن از زندگی یعنی اینکه خود را دانا تر از خدا می دانی.

7JULY

I teach you a tremendous total yes to life.I teach you not renunciation but rejoicing.Rejoice!Rejoice!Again and again,Isay rejoice!-beacause in your rejoicing you will come closest to God.

من به تو لبیک تمام و کمال به زندگی را می آموزم. به تو نه زهد و ترک دنیا،که شعف و شادمانی رامی آموزم.شادی کن!شادی کن!بارها و بارها میگویم شادی کن! زیرا در شادمانی ات از همه چیز به خدا نزدیکتر خواهی شد.

8JULY

I would like the woman become as feminine as possible,only then can she flower.And the man needs to be as masculine as possible,only then can he flower.When they are polar opposites,a great attraction,a great magnetism,arises between them.

دلم می خواهد زن تا حد امکان زنانه باشد؛فقط آنگاه می تواند شکفته شود،و مرد باید تا حد امکان مردانه باشد؛فقط آنگاه می تواند به گل بنشیند. وقتی زن و مرد دو قطب متضاد باشند،جاذبهٔ عظیمی-خاصیت آهنربایی شدیدی-بین آنها پدید می آید.

9JULY

Meditation is neither a journey in space nor a journey in time,but an instantaneous awakening.If you can be silent now,this is the other shore.If you can allow the mind to cease,not to function,this is the other shore.

مراقبه نه سفری در فضاست و نه سفری در زمان،بلکه یک بیداری آنی است.اگر بتوانی همین الان خاموش باشی،این ساحلی دیگر است. اگر اجازه دهی ذهن متوقف شود و از کار بیفتد،این ساحلی دیگر ست.

10JULY

Change your inclination frome the mind to the heart.That is the first change.Think less,feel more.Intellectualize less,intuit more.Thinking is a very deceptive process,it makes you feel that you are doing great things.But you are simply making castles in the air.Thoughts are nothing but castles in the air.

گرایش خود را از ذهن به قلب تغییر بده.این نخستین تغییر است.کمتر فکر کن،بیشتر احساس کن.کمتر هوشمندی به خرج بده،بیشتر از شم خود مدد بگیر.فکر کردن فرایندی بسیار فریبنده است.باعث می شود احساس کنی داری

کارهای مهمی انجام می دهی.اما فقط داری در هوا،در بالای ابرها،قصر می سازی.افکار چیزی جز قصرهای معلق در هوا نیست.

11JULY

Be an individual if you really want truth to happen to you.Take all the risks that are needed to be an individual,and accept the challenges so that they can sharpen you,can give you brilliance and intelligence.

اگر واقعاً می خواهی حقیقت بر تو آشکار گردد،فرد باش؛پیه همهٔ مخاطراتی که برای فرد بودن لازم است بر تن بمال،و چالش ها را بپذیر تا بتوانند تو را صیقل دهند،بتوانند هوش و ذکاوتی سرشار به تو ببخشند.

12JULY

To live a life of compromise is worse than deth.And to live a life of truth,even if it is for a single moment,is far more valuable than to live eternally in lies.To die for truth is far more valuable than to live in lies.

زندگی کردن یک زندگی سازشکارانه،بدتر از مرگ است و زندگی کردن یک زندگی صادقانه،حتا برای یک لحظه،بسیار ارزشمند تر از زندگی ابدی مالامال از دروغ است.مردن برای حقیقت بسیار ارزشمند تر از زندگی در میان نیرنگها است.

13JULY

Life is interdependence.Nobody is interdependent,not for a single moment can you exist alone.You need the whole existence to support you ;each moment you are breathing it in and out .It is not relationship.It is utter interdependence.

زندگی وابستگی متقابل است.هیچ کس مستقل نیست؛حتا برای یک لحظه هم نمی توانی تنها زندگی کنی. تو به کل هستی نیاز داری که از تو حمایت کند؛هر لحظه تو آن را با نَفَس به درون می کشی و به بیرون می دهی.این یک رابطهٔ صرف نیست. این همبستگی محض است.

14JULY

Make your life an aesthetic experience.And not much is needed to make it an aesthetic experience;just an aesthetic consciousness is needed,a sensitive soul.Become more sensitive,more sensuous,and you will become more spiritual.

زندگی ات را به تجربه ای هنر دوستانه مبدل ساز.برای تبدیل آن به تجربه ای هنر دوستانه چیز زیادی لازم نیست.فقط یک خودآگاهی هنر دوستانه لازم است؛یک روح حساس.حساس تر شو،پر احساس تر،آن گاه روحانی تر خواهی شد.

15JULY

Intelligence gives you the courage to be alone,and intelligence gives you the vision to be creative.A great urge,a great hunger arises to be

creative.And only then,as a consequenece,you can be happy,you can be bllisful.

هوش به تو شهامت می دهد تا تنها باشی و هوش به تو بصیرت می بخشد تا خلاق باشی.نیازی مبرم و ولعی شدید برای خلاق شدن پدید می آید و فقط آنگاه،به عنوان یک پیامد،می توانی خوشحال و سعادتمند باشی.

16JULY

Let me tell you,there is no purpose in life.Life is its own purpose;it is not a means to some end ,it is an end unto itself.The bird on the wing ,the rose in te wind,the sun rising in the morning,the stars in te night,a man falling in love whith a woman,a child playing on the street …there is no purpose.Life is simply enjoying itself,delighting in itself.Energy is overflowing,dancing,for no purpose at all.It is overflowing,dancing,for no purpose at all.It is not a performance,it is not a business.Life is a love affair,it is poetry,it is music.

بگذار باتو بگویم که در کوهستان زندگی هیچ قله ای هدف نیست.زندگی خودش هدف خویش است؛زندگی نه وسیله ای برای رسیدن به یک پایان،که پایانی برای خود زندگی است.همراه با آواز نسیم،پرندگان در پرواز،گل های سرخ پیچان و رقصان.خندهٔ آفتاب در سپیده دمان،چشمک ستارگان در شامگاهان.مردی در دام عشقی گرفتار،کودکی مشغول بازی در خیابان...هیچ هدفی در آن دور دست ها نیست. زندگی صرفاً از خود لذت می برد،از خود به وجد می آید.انرژی در حال لبریزش و فوران است،در حال رقص،برای هیچ منظور خاصی. این نه کار است و نه وظیفه.زندگی بازی عشق است؛شاعری است،موسیقی است.

17JULY

Life can exist only if something is still imperfect and as to be perfected.Life is the effort to perfect the imperfect.Life is the ambition to make the ugly beautiful.Something of imperfection is a must for life to exist,for life to go on growing and flowing.

زندگی فقط می تواند وقتی موجود باشد که هنوز چیزی ناقص است و باید کامل گردد.زندگی تلاش برای کامل کردن نقص است.زندگی فزون طلبی برای زیبا ساختن زشتی ها است.وجود چیزی نقص دار برای تداوم زندگی الزامی است؛برای اینکه زندگی به رشد و جریان ادامه دهد.

18JULY

Intelligence is aliveness;it is spontaneity,it is openness,it is vulnerability,it is impartiality,it is the courage to function without conclusions.

هوش،سرزندگی است.خود انگیختگی است،گشاده نظری است.حساسیت پذیری است،بی طرفی است،شهامت عمل کردن بدون نتیجه گیری هاست.

19JULY

Life is short,energy limited,very limited.And with this limited energy we have to find the unlimited;whith this short life we have to find te eternal.A great task,a great challenge!So please don't be concerned whith unimportant matters.

زندگی کوتاه است و انرژی محدود،و بااین انرژی محدود،ما باید نامحدود را بیابیم؛با این زندگی کوتاه،ما باید ابدیت را بیابیم. چه وظیفهٔ خطیری!چه چالش بزرگی!پس بیا و به خاطر مصائب بی اهمیت نگرانی به خود راهنده.

20JULY

I bring a revolution.The individual has not to fit with the pattern,the pattern has to fit whith the individual.My respect for the individual is absolute.I am not much concerned with means;means can be changed,arranged in different ways.

من همهٔ معیار ها را زیر و رو میکنم: فرد نباید خود را با قالب وفق دهد.قالب باید خود را با فرد وفق دهد.احترام من نسبت به فرد مطلق و بی قید و شرط است. من زیاد نگران وسیله نیستم؛وسیله را می توان عوض کرد و به شیوه های مختلفی ترتیب داد.

21JULY

I am all for love,because love fails.I am not for marriage,because marriage succeeds;it gives you a permanent settlement.And that is the danger:you become satisfied with a toy ,you become satisfied with something plastic,artificial,manmade.

من سراپا طرفدار عشقم،چون عشق شکست می خورد.من از ازدواج دل خوشی ندارم،چون ازدواج موفق می شود و به تو ثبات و آرامشی دائمی می بخشد و خطر همینجاست،تو به یک اسباب بازی راضی می شوی،تو با شیء پلاستیکی،مصنوعی و دست ساختهٔ انسان اقناع می شوی.

22JULY

To live in relationship and yet remain independent,that is what courage is.The new man will be courageous.In the past,only tow kinds of cowards have existed on the erth,the worldly kind and the otherworldly kind-but both are cowards.The really brave man will live in the world and yet not be of it.

زندگی کردن در یک رابطه و با این وجود مستقل ماندن،همان شهامت است.انسان نوین با شهامت خواهد بود.تا کنون فقط دو نوع بزدل بر روی زمین زندگی کرده است: نوع این جهانی و آن جهانی-اما هر دو بزدل اند. انسان شجاع واقعی در دنیا زندگی می کند،بااین وجود از دنیا نیست.

23JULY

When a singer is singing,sit by the side.Feel,God is very close by.When somebody is playing on the flute,hide behind a tree and listen,and you will be able to see something,something that is not of this world,something that is of the beyond.Creativity is always from the beyond.

وقتی آوازه خوانی،آواز سر می دهد،کنارش بنشین.احساس کن،خدا بسیار نزدیک است.وقتی کسی فلوت می نوازد،پشت درختان پنهان شو و گوش بده و تو قادر خواهی بود چیزی را ببینی؛چیزی که از این دنیا نیست،چیزی که از ماوراست.خلاقیت همیشه از ماوراست.

24JULY

Life is not there readymade,available.You get the life that you create,you get out of life that which you put into it.First you have to pour meaning into it.You have to give color and music and poetry,you have to be creative.Only ten will you be alive.

زندگی حاضر به یراق و در دسترس نیست.تو زندگانی ای عایدت می شود که خود خلق کرده ای،و از زندگانی ای بیرون می روی که خود به آن قدم گذاشتی.ابتدا باید به آن معنا ببخشی.این تویی که باید رنگ و موسیقی و شعر به آن ببخشی.تویی که باید خلاق باشی.فقط آن گاه زنده خواهی بود.

25JULY

Man's greatest longing is for freedom.Man is a longing for freedom.freedom is the very essential core of human consciousness:love is its circumference and freedom is its center.These two fulfilled.Life has no regret.

بزرگترین آرزوی انسان ،آزادی است.انسان آرزومند آزادی است.آزادی،اساسی ترین محور آگاهی انسان است.عشق پوستۀ پیرامونی و آزادی هستۀ مرکزی آن است.این دو که محقق گردیدند،زندگی هیچ افسوسی در بر نخواهد داشت.

26JULY

Meditation is te balance.Meditation is te bird with two wings:freedom and love.

مراقبه،موازنه است؛مراقبه پرنده ای است با دو بال: آزادی و عشق.

27JULY

The greater is the longing to grow,the more and more danger has to be accepted.The real man accepts danger as his very style of life,as is very climate of growth.

هر قدر آرزوی تو برای رشد یافتن بزرگتر باشد،خطر بیشتر و بیشتری را باید به جان بخری.انسان واقعی خطر را به عنوان خودِ شیوۀ زندگی،به عنوان خود شرایط اقلیمی رشد پذیرا است.

28JULY

Life is not a noun,it is really"living"not"life".It is not love,it is not relationsip,it is relating.It is not a song,it is singing.It is not a dance,it is dancing.

زندگی اسم نیست؛در واقع "زیستن" است نه "زندگی".عشق نیست،عشق ورزیدن است.رابطه نیست،ربط یافتن است.آوز نیست،آواز خواندن است.رقص نیست،رقصیدن ست.

29JULY

You need to remember yourself.You need to become a flame of inner awareness-an awareness so deep that even in dreams it will be present;an awareness so crystallized that even in deep sleep,dreamless sleep,it will be there burning like a light.

لازم است خود را به یادآوری.لازم است مشعل آگاهی معنوی شوی-آگاهی ای چنان عمیق که حتا در رؤیا ها نیز حضور خواهد داشت،گاهی ای چنان تبلور

یافته که حتا در خواب عمیق،خواب بی رؤیا،آنج همچون چراغی فروزان در حال سوختن است.

30JULY

Love is the boundary that divides matter and consciousness,the boundary of the lower and the higher.Love has roots in the earth;that is its pain,its agony.And love has its branches in the sky;that is its ecstasy.

عشق مرزی است که ماده و آگاهی را جدا میکند،مرز بین فرودین و فرازین.عشق ریشه هایی در زمین دارد و آن رنج عشق است،عذاب عشق است،و عشق شاخه هایی در آسمان دارد،و آن خلسهٔ عشق است.

31JULY

Sex has to become a great meditative art.That's the contribution of Tantra to the world.Tantra's contribution is the greatest,because it give you keys to transform the lowest into the highest.It gives you keys to transform mud into lotuses.

آمیزش باید بزرگترین هنر مراقبه شود.این پیشکش تانترا به دنیاست.پیشکش تانترا از همه عالی تر است،زیرا کلیدهایی را در اختیارت قرار می دهد،که از پست ترین به والاترین استحاله پیدا کنی،کلیدهایی را در اختیارت قرار می دهد که لجن را به نیلوفر آبی بدل کنی.



AUGUST

1 AUG

Drop comparing and life is really beautiful.Drop comparing and you can enjoy life to the full.And the person who enjoys his life has no desire to possess,beacause e knows the real things of life which are worth enjoying cannot be purchased.

مقایسه را کناربگذار،آنگاه زندگی واقعاً زیباست.مقایسه را کنار بگذار،آن وقت می توانی بی کم و کاست از زندگی لذت ببری،و کسی که از زندگی اش لذت می برد،هیچ میلی به تملک ندارد،زیرا می داند چیزهای واقعی زندگی که ارزش لذت بردن دارند،قابل خریداری نیستند.

2AUG

Do you know from where the word 'tradition' comes? It comes from the same root as the word 'trade'.It also comes from the same root as the word 'traitor'. Tradition is a trade,it is a business-and tradition is also a betrayal.Tradition believes in certain things which are not true-tradition is traitor to truth-so whenever truth comes,there is conflict.

میدانی واژۀ سنت از کجا می آید؟ریشۀ ین واژه با واژۀ داد و ستد یکی است.همین طور با ریشۀ واژۀ خائن. آداب و رسوم یک معامله است،کاسبی است-و آداب و رسوم خیانت هم هست.آداب و رسوم به چیزهای خاصی اعتقاد دارد که حقیقت ندارند-آداب و رسوم خائن به حقیقت است- بنابراین هر گاه حقیقت پا به میدان می گذارد،اختلاف بروز می کند.

3AUG

Law is for the society;love is for the individual.Law is how you behave with others;love is how you behave with yourself.Love is an inner flowering;law is an outward performance.

قانون برای جامعه است؛عشق برای فرد.قانون نحوۀ رفتار با دیگران است؛عشق نحوۀ رفتار با خودت.عشق شکوفایی درونی است،قانون وظیفه ای بیرونی.

4AUG

I am a hendonist,and as far as I see it,all those who have known have always been hendonists,whatsoever they say. A Buddha,a Jesus,a

Krishna-all hendonists.God is the ultimate in hendonism. He is the peakest peak of being happy.

من لذتپرستم،و تا آنجاکه می دانم همۀ آنهایی که شناخت پیدا کرده اند،هر چه هم بگویند،همواره لذت پرست بوده اند.بودا،عیسی مسیح،کریشنا-همه لذت پرستند.خداوند غایت لذت پرستی است.از اوج شادمانگی است.

5AUG

Don't discard any stone,because many times it has happened that the stone that was discarded by the builders became the very comerstone of the building in the end.

هیچ سنگی را دور نینداز،چون بسیار اتفاق افتاده،که سنگی را که بنّاها به دور انداخته اند،آخر سر سنگ بنای اصلی همان ساختمان شده.

6AUG

Be happy and you will be non-jealous.Be happy and you will be nonambitious;be happy and the ego will disappear.The ego can exist only in deep unhappiness and misery.It is a dweller in hell;it abides only in hell.

شاد باش تا دیگر حسود نباشی.شاد باش تا دیگر جاه طلب نباشی،شاد باش تا نفس ناپدید گردد.نفس فقط در اعماق ناشادمانی و بدبختی می تواند ادامۀ حیات دهد.نفس ساکن در جهنم است؛نفس فقط در جهنم تاب می آورد.

7AUG

Character kills.The more character you have,the smaller you have become.Character is an armor around you,it defines you.And every definition is a deth.Let me repeat:every definition is a deth;only the undefined is alive.

شخصیت کشنده ست.هر قدر بیشتر شخصیت داشته باشی،کوچکتر می شوی.شخصیت زرهی است دور تا دور تو،زرهی که تو را محدود می کند،و هر محدودیتی مرگ است.بگذار تکرار کنم:هر محدودیتی یک مرگ است،فقط نامحدود زنده است.

8AUG

Help people to be natural,help people to be free,help people to be themselves,and never try to force anybody,pull and push and manipulate.Those are ways of the ego.And that is what all politics is.

به مردم کمک کن طبیعی باشند،به مردم کمک کن آزاد باشند،به مردم کمک کن خودشان باشند.هرگز سعی نکن کسی را به زور وادار به کاری کنی،به زور بِکِشی و به زور هل بدهی و تحت کنترل خود درآوری.اینها همه ترفندهای نفس هستند،و سیاست سرتا پا همین است.

9AUG

You create yourself moment to moment.You are not born as a fixed entity,but only as a infinite potentiality.You are born as a seed,not as a tree.You are born open.not closed.That opening is tremendous.You will

have to choose every moment who you are going to be.your decision is your destiny.

تو خود را لحظه به لحظه خلق می کنی.تو به صورت جوهری ثابت به دنیا نیامدی،بلکه به صورت قوه ای نامحدود به دنیا آمدی،تو دانه به دنیا آمدی نه درخت،تو باز به دنیا آمدی،نه بسته. این گشودگی محشر است.تو مجبوری هر لحظه انتخاب کنی که می خواهی چه کسی باشی؟تصمیم تو سرنوشت توست.

10AUG

The law is for those who are unaware;love is for those who are aware.Love is the higher law;law is the lower love.Law is followed by moralists;love is followed by people who are religious.Religion is not law,it is love.

قانون برای کسانی است که ناآگاهند و عشق برای کسانی که آگاهند.عشق قانون برتر است و قانون عشق پست تر. در پی قانون،آموزگاران اخلاق اند،در پی عشق،افراد مذهبی.مذهب قانون نیست،عشق است.

11AUG

Always remember the distinction between aloneness and loneliness.Aloneness is a peak of experience.Loneliness is a valley.Aloneness has light in it.Loneliness is dark and damp. Loneline is when you desire others;aloneness is when you enjoy yourself.

همواره فرق میان در خلوت بودن و تنها بودن را به خاطر بسپار:خلوت،قلهٔ تجربه است و تنهایی،دره.خلوت،نور در خود دارد؛یک شعله.تنهایی تاریک است و سرد.تنهایی وقتی است که دیگران را آرزومندی و خلوت وقتی که از خود لذت می بری.

12AUG

Beauty is the first glimpse of the divine.Wherever you see beauty,remember you are on holy ground.Wherever.I say:in a human face,in a child's eyes,in a lotus flower,or in the wings of a bird in flight,in the rainbow,or in a silent rock.Wherever you see beauty,remember,you are on holy ground-Good is close.

زیبایی نخستین اشارت الوهیت است.هر جا زیبایی را دیدی،یادت باشد که بر روی زمین مقدسی.هر جا،در چهرهٔ انسان،در چشمان یک کودک،در یک نیلوفر آبی یا در بال های پرنده ای در پرواز،در رنگین کمان،یا در تخته سنگی خاموش،هر جا زیبایی را دیدی،به خاطر داشته باش بر روی زمین مقدس قرار داری- خدا نزدیک است.

13AUG

A real man is always unprepedicateble.He is freedome.He has no character because each moment he finds a new challenge,each moment he moves in a new dimension,and each moment he looks with fresh eyes.Each moment he responds again and again from a new vision.He is never old: he is always young.

انسان واقعی همیشه غیر قبل پیش بینی است.او آزادی است.او شخصیتی ندارد،زیرا هر لحظه چالشی نو می یابد،هر لحظه به پهنه ای جدید قدم می گذارد،و هر لحظه با دیدی نو نگاه می کند. هر لحظه از دیدگاهی نو بار ها و بار ها پاسخ می دهد.او هرگز پیر نیست؛او همیشه جوان است.

14AUG

Listening is learning,because when you listen silently the whole existence starts speaking to you.When you are absolutely silent,that is the greatest moment to learn.

Life reveals its secrets when you are silent.

گوش دادن یعنی آموختن،زیرا وقتی خاموش گوش فرا می دهی،کل هستی سخن گفتن با تو را آغاز می کند.وقتی کاملاً ساکتی،این عالی ترین لحظه برای یاد گیری است.زندگی رمز و رازهای خود را وقتی آشکار می سازد که تو خاموشی.

15AUG

Guilt is one of the oldest tricks of the priests for dominating people.They create guilt in you.They give you such stupid ideas that you connot fulfill them.Then guilt arises,and once the guilt as arisen,you are trapped.Guilt is the trade secret of all the so-called,established religions.

گناه یکی از قدیمی ترین ترفند ها برای سلطه بر مردم است.آنها در تو احساس گناه ایجاد می کنند،آنها ایده هایی بس احمقانه به خوردت می دهند که قادر به

محقق ساختن آنها نیستی،سپس گناه بوجود می آید و همین که گناه بوجود می آید و همین که گناه بوجود آمد،تو به دام افتاده ای.گناه راز کاسبی همهٔ به اصطلاح ادیان شرک است.

16AUG

Spirituality is one;religions are many.My insistence here is on inner transformation.I don't teach you religion,I teach you spirituality.

روحانیت یکی است؛مذاهب بسیارند.صرار من در اینجا بر استحالهٔ درونی است. من به تو مذهب رانمی آموزم.من به تو روحانیت را می آموزم.

17AUG

We celebrate everything.Celebration is our way to receve all the gifts from God. Life is his gift. We celebrate everything.We love the body,we love the soul.We are materialist spiritualists.

ما همه چیز را جشن می گیریم.جشن راهی برای دریافت همهٔ هدایا از طرف خداست.زندگی هدیهٔ اوست،جسم هدیهٔ اوست،روح هدیهٔ اوست،ما همه چیز را جشن می گیریم. ما به جسم عشق می ورزیم.ما عاشق روحیم.ما روحانیونی دنیوی هستیم.

18AUG

Existence goes on repaying you tremendously.Whatsoever you give to existence,it returns a thousandfold;it comes back to you.You give one flower,and a thousand flowers shower on you.Don't be clingers.If you

really want to be rich,if you want to have an enriched inner world,then learn the art of giving.

هستی همواره در پی جبران نیکی های توست.هر چه به هستی ببخشی،هزاران برابرش را به تو باز می گرداند؛هستی به تو باز می گردد،تو یک شاخه گل هدیه می کنی و هزاران شاخه گل از همه سو بر سر و رویت باریدن می گیرد. به مالت نچسب،اگر مایلی واقعاً ثروتمند شوی،اگر می خواهی دنیای درونی غنی و پرمایه ای داشته باشی،هنر بخشش را بیاموز.

19AUG

Humanity owes all its growth to very few people,not to te masses-not at all.The masses have been the hindrance;they are like rocks preventing the growth of society.Society has been benefited only by a few scientists,a few mystics,a few creators;the others ave been just hindering in every possible way.

انسانیت همهٔ رشد و شکوفایی خود را به عده ای انگشت شمار مدیون است،نه توده های کثیر مردم-نه ابداً.توده ها سد راه بوده اند؛مثل سنگ های روی جاده مانع از رشد جامعه بوده اند. جامعه فقط از تعداد معدودی دانشمند،تعداد معدودی عارف،تعداد معدودی مبتکر سود برده است؛دیگران فقط به هر طریقهٔ ممکن راه را سد کرده اند.

20AUG

Live as totally and passionately as possible,because it is through intense living that you will find God.God is nothing but life lived at the

optimum,with total abandon,a dance danced so totally that the dancer disappears;only the dance remains.

تا حد امکان کامل و با تمام وجود زندگی کن،زیرا ز راه زندگی عمیق و پر شور است که خدا را می یابی. خدا چیزی جز زندگی سپری شده در حد کمال و با بی پروایی مطلق نیست.رقصی چنان تمام عیار که رقصنده ناپدید می گردد و فقط رقص می ماند.

21AUG

I would like you to be Zorba the Greek and Gautam the Buddha together,simultaneously.Less than that won't do.Zorba represents the earth with all its flowers and greenery and mountains and rivers and oceans.Buddha represents the sky with all its stars and clouds,and the rainbows.

دلم می خواهد تو همزمان زوربای یونانی و گوتاما بودا با هم باشی. کمتر از آن به درد نمی خورد.زوربا نمایندۀ زمین با همۀ گل ها و گیاهان سبز و کوهسار و رودخانه ها و اقیانوس های آن است و بودا نمایندۀ آسمان با همۀ ستاره ها و ابر ها و رنگین کمان هایش.

22AUG

The ego is human;egolessness is divine.The ego is hell;egolessness is paradaise.

نفس آدمی ست؛بی نفسی الو هیت است.نفس جهنم است،فقدان نفس بهشت .

23AUG

God is always joking.Look at your own life-it is a joke!Look at other people's lives,and you will find jokes and jokes and jokes.Seriousness is illness;seriousness has nothing spiritual about it.Spirituality is laughter,spirituality is joy,spirituality is fun.

خداوند همیشه در حال شوخی است. به زندگی خودت نگاه کن-خنده آور است! به زندگی دیگرن نگاه کن و همه اش شوخی خواهی
یافت؛شوخی،شوخی،شوخی.جدیت بیماری است.جدیت را با معنویت هیچ سر و کاری نیست.معنویت خنده،نشاط و تفریح است.

24AUG

One needs silence in the eart,and yet a silence which is not cold but warm,a silence which can sing and dance. When silence and song meet,the man is whole.

انسان در دلش به سکوت نیز دارد،ولی سکوتی نه سرد،که گرم؛سکوتی که می تواند آواز سر دهد و به رقص درآید.وقتی سکوت و آواز با هم تلاقی می کنند،انسان کامل است.

25AUG

Love only gives.It is not business,so there is no question of loss or profit.Love enjoys giving,just as flowers enjoy releasing their fragrance.Why should they be afraid?Why should you be afraid?Remember,fear and love never exist together;they cannot.No coexistence is possible.Fear is just the opposite of love.

عشق فقط می بخشد.عشق تجارت نیست.بنابراین اصلاً حساب سود و زیانی در میان نیست.عشق از بخشش لذت می برد.درست همانطور که گلها از عطر افشانی لذت می برند.چرا باید در هراس باشند؟تو چرا باید در هراس باشی؟به خاطر داشته باش،ترس و عشق هرگز با هم نیستند،نمی توانند با هم باشند.هیچ هم زیستی ای ممکن نیست.ترس درست نقطۀ مقابل عشق است.

26AUG

Allow your laughter to be total.A total laughter is a rare phenomenon.When each cell of your body laughs,when each fiber of your being pulsates with joy,then it brings a great relaxation.There are a few activities which are immensely valuable;laughter is one of those activities.

بگذار خنده ات باتمام وجود باشد.خنده ای با تمام وجود پدیدۀ نادری است.وقتی هر سلول بدنت می خندد،وقتی هر تار وجودت از سر وجد به ارتعاش در می آید،آنگاه انبساط خاطری عظیم به همراه می آورد.فعالیت های معدودی وجود دارند که بی اندازه ارزشمندند؛خنده یکی از آنهاست.

27AUG

Remember the difference between childlike and childish: to be childlike is to be a sage,to be childish is not to be a sage.To be childish means to be immature;it needs much improvement,growth,maturity.

فرق بین کودک وار و کودکانه را به خاطر داشته باش: کودک وار بودن فرزانه بودن است،کودکانه بودن فرزانه بودن نیست. کودکانه بودن یعنی نابالغ بودن،که به اصلاح،رشد و بلوغ بسیاری نیاز دارد.

28AUG

Rejoice!Sing!Dance so totally that your egos melt and disappear .Dance so totally that the dancer is no longer there,but only the dancer remains.Then you will find me wherever you are.

شادی کن!آواز بخوان!دست افشانی کن!چنان با تمام وجود،همچون قاصدکی چرخان به دور خود بچرخ،تا نفس تو ذوب و ناپدید گردد.چنان با تمام وجود پایکوبی کن،که دیگر قاصدک چرخانی آنجا نباشد و فقط رقص باقی بماند.آن وقت هر جا که باشی مرا می یابی.

29AUG

Zen is the only religious phenomenon in the world which has no doctrine,no scripture ,which has no God,no belief system,no organized church.It is an individual phenomenon,just like love.You don't have a church of love.You don't have a political party for love.It is an individual freedom.

ذن تنها پدیدۀ مذهبی در دنیاست که هیچ مکتبی ندارد،هیچ کتاب مقدسی ندارد،هیچ خدایی ندارد،هیچ نظام عقیدتی ندارد،هیچ کلیسای سازمان یافته ای ندارد.ذن پدیده ای منفرد است،درست مثل عشق.شما کلیسای عشق ندارید.شما برای عشق حزب سیاسی ندارید.ذن،آزادی مستقل و جداگانه ای است.

30AUG

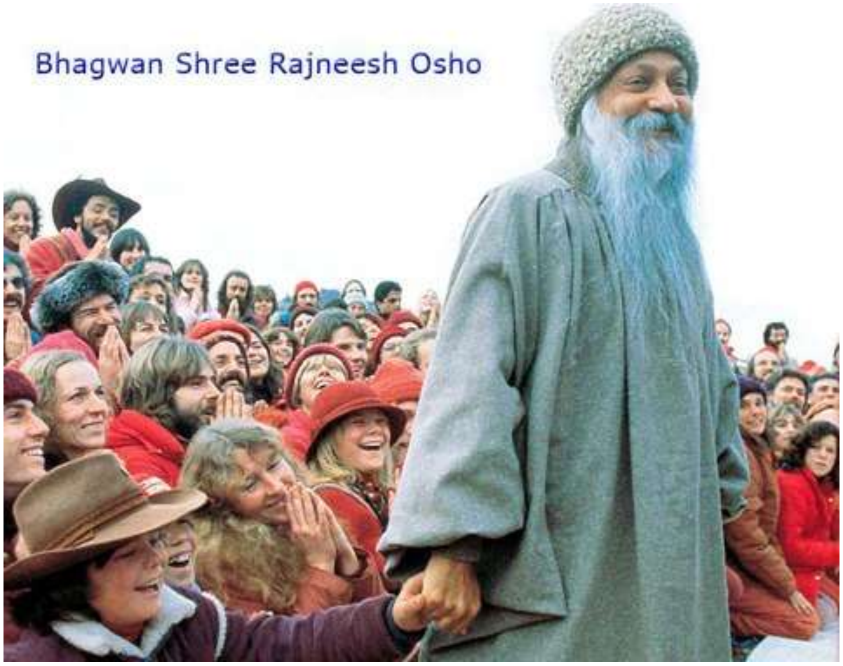
Osho is a very beautiful word.It should be added to every language.Just the sound is beautiful in the first place;Osho .It shows respect,it shows love,it shows gratitude.It is not just a dry word like "Reverend." It is a very loving and friendly word,almast having the sense of"The Beloved."

اُشو واژه ای بسیار زیباست.باید آن را به واژگان هر زبانی افزود.در وهلهٔ اول همان صوتش زیباست:اُشو.این واژه احترام،عشق،حق شناسی و شکر را نشان می دهد.فقط یک واژهٔ خشک مثل "عالیجناب"نیست.واژه ای بسیار دوست داشتنی و آشناست،تقریباً حال و هوای "محبوب" را دارد.

31AUG

The only quality that Buddha has is pure awareness consciousness witnessing.Witnessing is a key word for all meditators.Witness that you are not the body…Witness that you are not the mind…Witness that you are only a witness.

تنها کیفیتی که بودا داراست،آگاهی ناب و شاهد بودنِ آگاهانه است."شاهد بودن" واژه ای کلیدی برای همهٔ آنهایی است که به مراقبه می پردازند.شاهد اینکه تو جسم نیستی...شاهد اینکه تو ذهن نیستی...شاهد اینکه تو فقط شاهدی.



SEPTEMBER

1SEP

You have lived your whole life horizontally,in a line,from the cradle to the graveyard.In meditation the transformation happens:you are no more a horizontal line,you become vertical.You reach to the highest peak of your consciousness,and you reach to the deepest point of your consciousness.

تو تمام زندگی ات را افقی زندگی کرده ای،در یک خط،از گهواره تا گور.در مراقبه دگردیسی اتفاق می افتد.تو دیگر خطی افقی نیستی،عمودی می شوی.تو به بلند ترین قلهٔ خودآگاهی ات صعود می کنی و به ژرف ترین نقطهٔ خودآگاهی ات دست می یازی.

2SEP

Meditation brings transformation from the inside.It is not an imposition of morality and commandments from outside.Anything that comes from outside is worthless-morality,conscience,spirituality,whatever you call it.Only that which blossoms within you like a lotus as ultimate value.

مراقبه،تغییر شکل را از درون پدید می آورد.مراقبه تحمیل اخلاق و انضباط از بیرون نیست.هر چیزی که از بیرون بیاید بی ارزش است-
اخلاق،وجدان،معنویت...حال هر اسمی که می خواهی روی آن بگذار.فقط آنچه در درونت مانند یک نیلوفر آبی شکفته می شود،دارای ارزش غایی است.

3SEP

Your ecstasy is a movement towards the height and your meditation is a movement towards the depth.And once you have both,your life becomes a celebration.That is my work,to transform your life from a sad affair into a celebration.

خلسهٔ تو حرکتی است به سوی بلندی و مراقبهٔ تو حرکتی است به سوی عمق،و روزی که این هر دو را در اختیار داشتی،زندگی ات به جشن مبدل می گردد. این کار من است،تا زندگی تو را از واقعه ای غمناک به یک جشن دگرگون کنم.

4SEP

Truth is always new and mind is always old.That's why mind and truth never meet.Mind is always of the past,truth is always of the present.

حقیقت همیشه نو است،و ذهن همیشه کهنه.از این رو ذهن و حقیقت هرگز به هم نمی رسند.ذهن همیشه به گذشته تعلق دارد و حقیقت همیشه به حال.

5SEP

The word "individual" is good.It simply means:one who cannot be divided.Indivisible means individual.You are not yet individuals because you are split.Become one and you will become individuals.

واژهٔ "فرد" واژهٔ خوبی ست. به طور ساده،یعنی کسی که نمی تواند تقسیم شود.تقسیم ناپذیر یعنی فرد.شما هنوز فرد نیستید،چون شقه شقه اید.یکی که شدید،افراد می شوید.

6SEP

To be intelligent is to create your own heaven,is to create your own happiness,otherwise there is none.If you create it,you have it.It is just like breathing: if you breathe you are alive,if you don't breathe you are not alive.

باهوش بودن یعنی بهشت خود را خلق کردن،شادمانی خود را خلق کردن،وگرنه چیزی آنجا نیست.اگر آن را خلق کنی،آن را داری.درست مثل نفس کشیدن است؛اگر نفس بکشی زنده ای،اگر نفس نکشی زنده نیستی.

7SEP

Let this be a fundamental rule of life,one of the most fundamental:whatsoever you are towards yourself,you will be towards others.If you love yourself,you will love others.

بگذار این قاعدۀ اساسی زندگی باشد،یکی از اساسی ترین قواعد:هر چه نسبت به خودت باشی،نسبت به دیگران هم همان خواهی بود.اگر خود را دوست بداری،دیگران را هم دوست خواهی داشت.

8SEP

Don't try to change your action;try to find out your being,and action will follow.The action is secondary;being is primary.Action is something that you do;being is primary.Action is something that you do;being is something that you are.

سعی نکن عمل خود را عوض کنی،سعی کن وجودت رابیابی،و عمل به دنبال خواهد آمد.عمل فرع است،و وجود اصل.عمل چیزی است که تو انجام می دهی،و وجود چیزی که تو هستی.

9SEP

This is the beauty,the drama of life;you are the actor ,you are the director,you are the audience,you are the story-writer,you are the play-back singer,you are all,alone.

این زیبایی ست،این نمایشنامۀ زندگی است: بازیگر تویی،کارگردان تویی،تماشاگر تویی،نویسندۀ داستان تویی،خوانندۀ موسیقی متن تویی،همۀ اینها تو هستی،تو یکی!

10SEP

The English word ‘ecstasy’is very,very significant.It means:to stand out."Ecstasy" means to get out-out of all shells and all protections and all egos and all comforts,all death-like walls.To be ecstatic means to get out,to be free,to be moving,to be a process,to be vulnerable so that winds can come and pass through you.

واژهٔ "خلسه" واژه ای بسیار بسیار مهم است.معنی آن این است: بیرون ایستادن.خلسه یعنی بیرون آمدن-بیرون از همهٔ پوسته ها و همهٔ حفاظ ها و همهٔ نفس ها و همهٔ راحتی ها،حتا همهٔ دیوار های مرگ آسا. در خلسه بودن یعنی بیرون آمدن،آزاد بودن،در حال حرکت بودن،رونده بودن،پذیرا بودن،به طوری که بادها بتوانند بیایند و از میان تو عبور کنند.

11SEP

All perfectionism is a sort of deep ego trip,just to think of yourself in terms of ideals and perfection is nothing but to decorate your ego to its uttermost.A humble person accepts that life is not perfect.

کمال گرایی،سراسر نوعی سفر مرموز نفس است؛اینکه خود را صرفاً بر حسب آرمان ها تصور کنی و کمال چیزی نیست جز آراستن نفس به منتها درجه. آدم افتاده قبول دارد که زندگی کامل نیست.

12SEP

To me,music and meditation are two aspects of the same phenomenon.And without music,meditation lacks something;without music,meditation is a

little dull,unalive.Without meditation,music is simply noise-harmonious.but noise.

برای من،موسیقی و مراقبه دو روی یک سکه اند و بدون موسیقی مراقبه چیزی کم دارد: بدون موسیقی مراقبه کمی یکنواخت و غیر زنده است. بدون مراقبه موسیقی فقط سر و صداست - موزون،ولی سر و صدا.

13SEP

The dream is only a translation of thinking in the language of sleep,and vice versa:thinking is nothing but a translation of dreaming in the language of the day.You go on moving between these two:dreaming and thinking.Both are desiring.

رؤیا فقط ترجمان فکر کردن است به زبان خواب و بر عکس،اندیشیدن چیزی نیست جز ترجمان رؤیا دیدن به زبان روز. تو مدام بین این دو در حرکتی. رؤیا دیدن و فکر کردن،و هر دو آرزو کردن است.

14SEP

A man of consciousness responds,and his responses are spontaneous.He is mirrorlike:he reflects whatsoever confronts him.And out of this spontaneity,out of this consciousness,a new kind of action is born.That action never creates any bondage,any karma.That action frees you.

انسان خودآگاه پاسخ دهنده است و پاسخ هایش خودانگیخته اند. او آیینه وار است: هر چیزی راکه بر او بتابد از خود باز می تابد و از درون این خودانگیختگی،از

درون این خودآگاهی،عملی از نوع جدید زاده می شود.آن عمل هرگز هیچ اسارتی،هیچ کارمایی نمی آفریند.آن عمل تو را رهایی می بخشد.

15SEP

I would like the world to have many more religions,so many that each individual has his own religion-then no priest will be needed.That is the only way to drop the priests.If you have your own religion,no priest is needed-you are the priest and you are the follower and you are everything.

دلم می خوهد دنیا آیین ها و مرام های بسیار بیشتری دارا باشد،چنان بسیار که هر کس طریقت خود را داشته باشد- آن وقت به هیچ مرشدی احتیاج نخواهد بود. این تنها راه کنار گذاشتن آموزگاران اخلاق است.اگر تو طریقت خود را داشته باشی،احتیاج به هیچ مرشدی نیست- مرشد تویی،بچه مرشد تویی؛تو همه چیزی.

16SEP

Eat slowly,Watchfully;each bite has to be chewed,tasted.Smell,touch,feel the breeze and the sunrays.Look at the moon and become just a silent pool of watchfulness,and the moon will be reflected in you with tremendous beauty.Move in life remaning continuously watchful.

آهسته بخور،با مراقبت و هشیاری غذا بخور! هر لقمه را باید جوید،باید چشید.نسیم و انوار آفتاب را استشمام کن،لمس کن،احساس کن،ماه را بنگر و به برکه ای خاموش از مراقبت و هشیاری مبدل شو و ماه با زیبایی خیره کننده اش در تو متجلی خواهد شد.در حالی که مدام هشیار و گوش به زنگی،با زندگی همگام شو.

17SEP

I am not against sex,because those who are against sex,they will always remain sexual.I am for sex,because if you go deep into it you will come out of it soon.The more consciously you go into it,the sooner you will come out of it.And the day wen a person comes out of sex totally is a day of great blessing.

من مخالف آمیزش جنسی نیستم،چون کسانی که مخالف آمیزش جنسی هستند،همیشه در شهوترانی می مانند. من طرفدار آمیزش جنسی ام،چون اگر عمیقاً فراموش شود،به زودی از آن بیرون می آیی. هر قدر خودآگاهانه در آن قدم بگذاری،زودتر از آن بیرون خواهی آمد و روزی که کاملاً از آمیزش جنسی بیرون آمدی،روز شکرگزاری بزرگی است.

18SEP

I hate proverty! I don't respect poverty.I don't appreciate poverty.It is out of stupidity that people are poor;it is out of superstitious minds that people are poor.People need not be poor.It is because of thousands of teaching that poverty has something spiritual in it that people are poor.

از فقر متنفرم! من احترامی برای فقر قایل نیستم.من برای فقر قدر و منزلتی نمی شناسم. مردم از روی حماقت فقیرند،از روی اذهان خرافی است که مردم فقیرند. مردم احتیاجی ندارند فقیر باشند. به خاطر هزاران سال تعلیم ست که فقر چنان رنگی از معنویت در خود دارد،که مردم فقیرند.

19SEP

Man is a bridge between the known and the unknown.To remain confined in the known is the beginning of wisdom.To become one with the unknown is to become the awakened one,te budda.

انسان پلی است بین شناخته و ناشناخته.محدود ماندن در شناخته حماقت است. رفتن در جستجوی ناشناخته آغاز خردمندی است. یکی شدن با ناشناخته تبدیل شدن به انسان بیدار است،به بودا.

20SEP

Wisdom is a very relaxed state of being.Wisdom is not knowledge,not information;wisdom is your inner being awake,alert,watchful,witnessing,full of light.Be full of light-it is your birthright.

معرفت،حالت بسیار آرامی از بودن است.معرفت دانش نیست،اطلاعات هم نیست،معرفت،وجود درونی توست در حال بیداری،هشیاری،گوش به زنگی،شاهد بودن،بودنی پر از نور. پر از نور باش- این حق مسلم و طبیعی توست.

21SEP

I would like humanity to be rich in all possible ways:rich in science,rich in technologhy,rich in poetry,rich in music,rich in meditation,rich in mysticism.Life should be lived in its multimedimensionality.God should be approached through all possible ways.Why impoverris your soul?

دلم می خواهد انسانیت به هر طریق ممکن غنی باشد؛غنی از نظر علم و فن آوری،غنی از نظر شعر و موسیقی و مراقبه...غنی از نظر عرفان. زندگی را

باید در چند جانبگی آن زندگی کرد. باید از طریق همۀ راه های ممکن به خدا نزدیک شد. چر روحت راتحلیل ببری؟

22SEP

The real religious man has to contribute to the world.He has to make it a little more beautiful than he found it when he came into te world.He has to make it a little more joyous.He has to makeit a little more perfumed.He has to make it a little more harmonious.That is going to be his contribution.

متدین واقعی باید در دنیا سهم داشته باشد. باید دنیا را نسبت به آنچه هنگام ورودش به این دنیا یافت،کمی زیباتر سازد. باید دنیا را کمی مسرت بخش تر سازد. باید کمی بیشتر عطرآگینش کند.باید کمی بیشتر همسازش کند.این قرار است سهم او باشد.

23SEP

Don't treat persons as a means,they are ends unto themselves.Relate to them-in love,in respect.Never possess them and never be possessed by them.Don't be dependent on them and don't make persons you dependent.

با افراد به عنوان وسیله رفتار نکن،آنها سرمنزل خودشانند. به آنها وصل شو – در عشق،در عزت. هرگز آنها را در تملک نگیر و هرگز در تملک آنها قرار نگیر. به آنان وابسته نباش و افراد دور و برت را به خود وابسته نکن.

24SEP

Love appears as relationship but begins in deep solitude.Love expresses as relating,but the source of love is not in relating:the source of love is in meditating.When you are absolutely happy in your aloneness,when you don't need the other at all,when the others is not a need,then you are capable of love.

عشق به شکل رابطه نمود می یابد.در خلوتی ژرف آغاز می شود.عشق به شکل برقراری رابطه ابراز می شود،اما منبع عشق در برقراری رابطه نیست،منبع عشق در مراقبه است. وقتی که در خلوت خویش در بست خوشحالی،وقتی که اصلاً به دیگری احتیاج نداری،وقتی که وجود آن دیگری برایت حاجت نیست،آن گاه لایق عشقی!

25SEP

A man who knows how to be alone knows how to be meditative.Aloneness means meditation-just relishing your own being.celebrating your own being.Walt Whitman says:I celebrate myself,I sing myself.That is aloneness.

کسی که می داند چطور با خود خلوت کند،می داند چطور به اشراق برسد.خلوت یعنی مراقبه- فقط به بودنت چاشنی بزن. بودنت را جشن بگیر. والت ویتمن می گوید:" من خود را جشن می گیرم،من خود را آواز می خوانم." خلوت یعنی این.

26SEP

Life is only an opportunity to grow,to be,to bloom.Life in itself is empty;unless you are creative you will not be able to fill it with fulfillment.You have a song in your heart to be sung and you have a dance to be danced.

زندگی فقط فرصتی است برای تعالی،برای بودن،برای شکوفا شدن.زندگی به خودی خود خالی است،تا وقتی خلاق نباشی قادر نخواهی بود آن را با رضایت خاطر پر کنی.تو نغمه ای در دل داری که باید سراییده شود و رقصی که باید به اجرا درآید.

27SEP

Life is a great challenge to know oneself.If this challeng is accepted,you really become man for the first time;otherwise you go on existing on a subhuman level.

زندگی چالشی بزرگ برای شناخت خویش است،اگر این چالش مورد پذیرش قرار گیرد،تو برای نخستین بار براستی انسان می شوی،وگرنه در سطحی تحت انسانی به بودن ادامه خواهی داد.

28SEP

I affirm life.I rejoice in life.And I would like you all to be deeply,intensely,passionately in life,with one condition only:alertness,watchfulness,witnessing.

من زندگی راتأیید می کنم.من زندگی را مالکم و دلم می خواهد همگی شما عمیقاً،قویاً و با تمام وجود در زندگی باشید.فقط با یک شرط،با هشیاری،با گوش به زنگی،با شاهد بودن.

29SEP

In sexual orgasm time disappears,ego disappears,mind disappears.In sexual orgasm,for a moment the whole world stops.The same happens in the spiritual orgasm on a far bigger scale.The sexual is momentary and the spiritual is eternal, but the sexual gives you a glimpse of the spiritual.

در انزال جسمی زمان ناپدید می گردد،نفس ناپدید می گردد،ذهن ناپدید می گردد. در انزال جسمی،برای لحظه ای تمام دنیا متوقف می شود.همین اتفاق در مقیاسی بسیار وسیع تر در انزال روحی دست می دهد.انزال جسمی گذراست و انزال روحی ابدی،اما انزال جسمی گوشه چشمی از انزال روحی را به تو می نمایاند.

30SEP

God is not a person at all.You cannot worship God.You can live in a godly way but you cannot worship God-there is nobody to worship.All your worship is sheer stupidity,all your images of God are your own creation.There is no God as such,but there is godliness,certainly-in the flowers,in the birds,in the stars,in the eyes of the people,when a song arises in the heart and poetry surrounds you…all this is God.

خدا به هیچ وجه یک بت نیست.تو نمی توانی خدا را مثل یک بت پرستش کنی.تو می توانی به طریقه ای خدایگونه زندگی کنی،ولی نمی توانی خدا را بت کنی- خدا شخص نیست که او را پرستش کنی. این پرستش تو سراسر حماقت محض است،همهٔ صور ذهنی تو از خدا،آفریدهٔ خود توست.چنین خدایی وجود ندارد،اما الوهیت هست.یقیناً هست- در گلها،در پرندگان،در ستاره ها،در چشمان آدم ها،وقتی ترانه ای در دل به تصنیف در می آید و شعر تو را احاطه میکند...این همه خداست.



OCTOBER

1OCT

A sannyasin means one who is not trying to solve the mystery of life but is diving deep into the mystery itself.Living the mystery is sannyas,not solving the mystery.If you start solving it you become serious.If you start living it you become more and more playful.

سانیاسین یعنی کسی که سعی ندارد معمای زندگی را حل کند،بلکه عمیقاً در خود این معما شیرجه می رود. زندگی کردن این معما سانیاس است. اگر شروع کردی آن را حل کنی،جدی می شوی. اگر شروع کردی آن را زندگی کنی،بازیگوش تر و بازیگوش تر می شوی.

2OCT

Sannyas is relaxing in life,trusting in life,resting in life.Nowhere to go,nothing to achieve,then the whole energy is available to dance and sing and celebrate.

سانیاس آرام گرفتن در زندگی است.اعتماد در زندگی است.استراحت کردن در زندگی است. نه جایی برای رفتن است و نه چیزی برای دستیابی،به این ترتیب انرژی به تمامی برای پایکوبی و آوازه خوانی و سرور در دسترس قرار دارد.

3OCT

People are living just to impress.They must be really very poor inside,because only people suffering from interiority complex want to impress others.A really superior person never compares himself with anybody else.He knows he is incomparable;not only that,he knows others are also as incomparable as he is.He is neither superior nor inferior.

مردم فقط برای این زندگی می کنند که دیگران را تحت تأثیر قرار دهند،واقعاً که باید خیلی در درون پست و بینوا باشند،چون فقط کسانی که از عقدهٔ حقارت رنج می برند می خواهند تحسین دیگران را بر انگیزند. کسی که واقعاً والاتر است،هرگز خود را با هیچ احدی مقایسه نمی کند.او می داند که قیاس ناپذیر است،نه تنها این،بلکه می داند که دیگران هم به اندازهٔ او قیاس ناپذیرند. او نه والاتر است و نه حقیرتر.

4OCT

Real religion takes away all te answers,makes your questions bigger and bigger,and finally transforms your questions into wonder,into a quest.And in wonder,if you can live in wonder,you will attain to that insight,those eyes,wic can see.

مذهب واقعی،همهٔ پاسخ ها را کنار می زند،پرسش های تو را بزرگتر و بزرگتر می کند و سرانجام پرسشهایت را به شگفتی،به یک پژوهش،مبدل می سازد،و چنانچه بتوانی در شگفتی زندگی کنی،به آن بینش،به آن دیدگانی که قادر به دیدن اند،دست خواهی یافت.

5OCT

Intelligence needs tremendous courage,intelligence needs an adventurous life.Intelligence needs that you are always going into the unknown.Into the uncharted sea.Then intelligence grows,it becomes sharpened.It grows only when it encounters the unknown every moment.

هوش به شهامت فوق العاده ای نیاز دارد.هوش به زندگی ماجراجویانه ای نیازمند است.هوش احتیاج دارد که تو همیشه به ناشناخته ها قدم بگذاری،به دریای نامکشوف.آنگاه هوش بال و پر می گیرد و صیقل می یابد.هوش فقط زمانی رشد می یابد که هر لحظه با ناشناخته مواجه گردد.

6OCT

Love is a lotus hidden in the mud.The lotus is born out of mud,but you don't condemn the lotus because it is born out of mud;you don't call the lotus dirty.Love is born out of sex,and then prayer is born out of love,and then God is born of prayer.Higher and higher and higher one goes on soaring.

عشق،نیلوفر آبی پنهان در گل و لای است.نیلوفر آبی از لجن زاده می شود،ولی تو آن را به این خاطر که از لجن زاده شده نکوهش نمی کنی،تو نیلوفر آبی را گِل آلود نمی خوانی،تو نیلوفر آبی را کثیف قلمداد نمی کنی. عشق از آمیزش جنسی زاییده می شود،و آنگاه عبادت از عشق زاییده می شود و آنگاه خدا در اثر عبادت در انسان تجلی می یابد و این انسان به بالاترو بالاتر،به اوج گرفتن ادامه می دهد.

7OCT

Love is the greatest gift of God.Learn the art of it.Learn the song of it,the celebration of it.It is an absolute need:just as the body cannot survivewithout love.Love is the nourishment of the soul.it is the beginning of all that is great,it is the door of the divine.

عشق بزرگترین هدیهٔ خداست.هنر آن را بیاموز.آواز آن،جشن آن را بیاموز.عشق نیازی قطعی است: درست همانگونه که جسم بدون غذا نمی تواند زنده بماند،بدون عشق روح را یارای زنده ماندن نیست.عشق غذای روح است،آغازگر همهٔ چیزهای با شکوه است؛عشق درِ بارگاه ملکوتی است.

8OCT

It is better to be deceived than to deceive,because if you deceive,you lose the greatest treasure of your life:you lose the capacity to trust.And let me repeat:the capacity to trust is the greatest treasure of life,because without it neither love is possible,nor prayer is possible,nor God is possible.

آدم فریب بخورد بهتر از آن است که دیگران را فریب دهد،چون اگر فریب دهی بزرگترین گنجینهٔ زندگی ات را از دست می دهی.تو ظرفیت اعتماد کردن را از

دست می دهی و بگذار تکرار کنم:ظرفیت اعتماد کردن بزرگترین گنجینهٔ زندگی است.زیرا بدون آن نه عشق ممکن است،نه عبادت و نه خدا.

9OCT

A life lived unconsciously cannot be beautiful.a life lived unconsciously cannot have freedome.And without freedom,how canthere be any beauty?Beauty is a shadow of freedom.

زندگی ای که ناآگاهانه سپری شده،نمی تواند زیبا باشد.زندگی ای که در بی خبری و ناآگاهی به پایان آمده،نمی تواند از آزادی برخوردار باشد و بدون آزادی زیبایی چطور می تواند وجود داشته باشد؟زیبایی سایهٔ آزادی است.

10OCT

Motherood is a great meditation.Motherhood is one of the greatest arts:you are creating an alive being.The sculptor is nothing compared to the mother,because he will be creating only a marble statue.The painter is nothing,the poet is nothing,the singer is nothing,the musician is nothing,beacause they will be playing with things,objects.The mother is the greatest poet and the greatest painter and the greatest musician and the greatest sculptor,because she is creating a consciousness-life itself.

"مادری" مراقبه ای است،بی نظیر."مادری" یکی از بزرگترین هنرهاست.تو موجودی زنده را خلق می کنی.پیکره ساز در قیاس با مادر هیچ است.چون او فقط پیکره ای مرمرین می آفریند.نقاش،شاعر،نغمه سرا و موسیقی دان همه هیچ اند. زیرا آنها با اشیاء سر و کار دارند. مادر بزرگترین شاعر،بزرگترین نقاش،بزرگترین موسیقی دان و بزرگترین پیکره ساز است،زیر او آگاهی را-خود زندگی را- می آفریند.

11OCT

Death has to be meditated upon;otherwise life can go on giving you false hopes.If you remember death,life cannot deceive you anymore.Death will keep you alert.

باید در مورد مرگ مراقبه کرد،وگرنه زندگی همچنان به ایجاد امیدهای کاذب در تو ادامه میدهد.اگر مرگ را به خاطر داشته باشی،زندگی دیگر نمی تواند تو را فریب دهد. مرگ تو را هشیار نگاه خواهد داشت.

12OCT

The man who loves imself enjoys the love so much,becomes so blissful,that the love starts overflowing,it starts reaching others.it HAS to reach! If you live love,you have to share it.

کسی که به خودش عشق می ورزد،از عشق بسیار لذت می برد،چنان سرشار از لذت،که کم کم عشق لبریز می گردد و دست یازیدن به دیگران را آغاز می کند. باید هم چنین باشد**!** اگر عشق را زندگی کنی،باید آن را با دیگران قسمت کنی.

13OCT

Love gives you the first insight into eternity;love is the only experience that transcends time.That's why lovers are notafraid of death:love knows no death.A single moment of love is more than a whole eternity.But love has to being from the very beginning.Love has to start with this first step:LOVE YOURSELF….

نخستین بصیرت را نسبت به ابدیت،عشق به تو می بخشد. عشق تنها تجربه ای است که از زمان فراتر می رود. به همین دلیل عشاق از مرگ نمی هراسند. عشق مرگی نمی شناسد. لحظه ای عشق،بیشتر از کل ابدیت است،اما عشق را باید از همان ابتدا آغاز کرد،عشق را باید با این گام نخست آغاز کرد: به خود عشق بورز... .

14OCT

Life is a mirror,it reflects your face.Be friendly,and all of life will reflect friendliness.People know perfectly well that if you are friendly to a dog even the dog becomes friendly to you,so friendly.And there are people who have known that if you are friendly to a tree,the tree becomes friendly to you.

زندگی آیینه ای است که چهرهٔ تو را منعکس می سازد. مهربان باش و آنگاه زندگی سراسر مهربانی را از خود باز می تابد. مردم خیلی خوب می دانند که اگر نسبت به یک سگ مهربان باشی،حتا سگ هم با تو مهربان می شود. بسیار مهربان،و افرادی هستند که می دانسته اند که اگر تو با درختی مهربان باشی،درخت با تو مهربان می شود.

15OCT

Live in your own innermost nature.With absolute acceptance of whosoever you are.Don't try to manipulate yourself according to others' ideas.Just BE yourself,your authentic nature…and joy is bound to arise;it wells up within you.

با فطری ترین نهاد خویش زندگی کن،با پذیرش همه جانبهٔ هر آنکه هستی.سعی نکن خود را مطابق ایده های دیگران دستکاری کنی.فقط خودت باش،ذات حقیقی خودت...و شادی به ناگزیر سر بر می آورد،شادی در درونت فوران می کند.

16OCT

First be selfish,first transform yourself.Your life in peace,in joy,in healt,can be a great source of nourishment for people who are starving for spiritual food.

اول خود را بخواه،اول خود را دگرگون کن،زندگی تو در آرامش،شادی و سلامت می تواند بزرگترین منبع تغذیه برای کسانی باشد که گرسنهٔ خوراک معنویت هستند.

17OCT

Live in the world without any idea of what is going to happen.Whether you are going to be a winner or loser,it doesn't matter.Death takes everything away.Whether you lose or win is immaterial.The only thing that matters,and has always been,is how you played the game.

در دنیا زندگی کن،بدون هیچ دغدغه ای در این باره که چه اتفاقی قرار است بیفتد.اینکه برنده شوی یا بازنده،چه اهمیتی دارد؟مرگ همه چیز را با خود می برد.بردن و باختن تو غیر مادی است.تنها چیزی که اهمیت دارد و همیشه اهمیت داشته است،این است که تو چطور مسابقه را بازی کردی.

18OCT

Life is an eternal pilgrimage.There is no goal to it,it is pure journey.Hence the joy of it.Life knows nothing of full stops.Life is a continuum,a song that never ends,a story that goes on unfolding,Each moment something new is ready to happen if you are available.

زندگی مهاجرتی ابدی است. هیچ هدفی برای آن منظور نیست.سفری ناب است.همین طورلذت آن.زندگی از نقطه های پایانی جمله چیزی نمی داند.زندگی تداوم است؛آوازی که هرگز به آخر نمی رسد،داستانی که همچنان ادامه دارد.اگر تو در دسترس باشی،هر لحظه چیزی نو آمادهٔ روی دادن است.

19OCT

Don't waste time.Time is really precious,far more precious than money,far more precious than anything in the world,because it is through time that you can contact eternity.

وقت تلف نکن.زمان براستی گرانبهاست،بسیار گرانبها تر از پول،بسیار گرانبها تر از هر چیزی در دنیا،زیرا از طریق زمان است که می توانی به ابدیت بپیوندی.

20OCT

The whole truth is:the body has its own reality,and consciousness has its own reality.And the miracle is,the mystery is,that these two separate realities are together,that these two separate realites are functioning in deep synchronicity.This is the mystery:matter dancing in tune with consciousness.This mystery I call God,this mystery I call truth,the whole truth.

کل حقیقت این است: جسم واقعیت خود را دارد و خودآگاهی واقعیت خود را،و معجزه این است،راز این است که این دو واقعیت مجزا با هم هستند،که این دو واقعیت مجزا با همزمانی کامل عمل می کنند.راز این است: ماده هم کوک با خودآگاهی در رقص است.خودآگاهی همساز با ماده در رقص است.من این راز را حقیقت می نامم.کل حقیقت.

21OCT

Death is so powerful,but one thing it cannot take away from you,that is meditation.If you can become rooted in your being,alert,conscious,watchful,you will see that you are not the body and you are not the mind,and you are not the heart.You are simply the witnessing soul,and that witnessing will go with you.Then you can witness even deth.

مرگ بسیار قدرتمند است،اما یک چیز را نمی تواند از تو بگیرد،و آن مراقبه است. اگر بتوانی در وجودت پابگیری،و با همهٔ وجود هشیار،خودآگاه و سراپاگوش باشی،در خواهی یافت که تو جسم نیستی،تو ذهن نیستی،و تو قلب نیستی.تو فقط روح شاهدی و آن شهادت با تو رخت برخواهد بست.آن گاه تو می توانی حتا مرگ را گواه باشی.

22OCT

As your awareness deepens,your light shines forth.We are made of the stuff called light.The whole existence is made of light.Awareness is igniting the fire within you.And once you become a flame desires will be burned in that fire,impurities will be burned in that fire.You will come out of it as pure gold.

همچنانکه آگاهی تو ژرف تر می شود،نور تو درخشیدن می گیرد.تو از ماده ای به اسم نور ساخته شده ای.کل هستی ساخته از نور است.آگاهی،افروختن آتش درون توست،و وقتی شعله ور شدی،آرزوها در آن آتش می سوزند،ناخالصی ها در آن آتش می سوزند،و تو به شکل طلایی ناب از آن بیرون خواهی آمد.

23OCT

All moralities are not moral,and something wich is moral in one country is not moral in another country.Something moral in one religion is not moral in another religion.Something is moral today and was not moral yesterday.Morals chang,morals are just arbitrary.But consciousness is eternal,it never canges.It is simply the absolute-the truth.

تمام اصول اخلاقی،اخلاقی نیستند،و چیزی که در یک کشور اخلاقی به حساب می آید،در کشور دیگر اخلاقی نیست.چیزی که در یک مذهب اخلاقی است،در مذهب دیگر اخلاقی نیست.چیزی که امروز اخلاقی است،دیروز اخلاقی نبود.اصول اخلاقی در تغییرند،اصول اخلاقی اختیاری اند،اما آگاهی جاودانی است.هرگز تغییری نمی کند.کاملاً مطلق است،حقیقت است.

24OCT

The ego is always aggressive;It can exist only through aggression.It creates such fuss,such dust,such smoke,thatyou can't see,it makes you blind,it whirls you round and round,it makes you dizzy.That's why the ego is always hankering for more and more power,more and more force.It wants to do things with absolute force.

نفس همواره تهاجمی است،فقط با تهاجم می تواند به بقای خود ادامه دهد.نفس چنان هیاهویی به راه می اندازد،چنان گرد و خاکی به پا می کند که نمی توانی چیزی را ببینی.نفس تو را کور می کند.تو را دور خودت می چرخاند و سرت را گیج می آورد.به همین خاطر است که نفس همیشه آرزومند قدرت بیشتر و بیشتر است. می خواهد همهٔ کارها را با قدرتی مطلق انجام دهد.

25OCT

Marriage is a plastic flower.Love is a real rose,but the real rose is beautiful in the morning;by the evening it is gone.Nobody can say when it will disappear,when the petals will start falling.Just a strong wind and it is no more,just a strong sun and it is no more.But the plastic flower will be there;come rain,come sun,come anything,the plastic flower will be there.

ازدواج گل پلاستیکی است و عشق گل سرخ واقعی،اما گل سرخ واقعی در صبحدم زیباست،در شامگاه از بین رفته. هیچ کس نمی تواند بگوید چه وقت نابود می شود،چه وقت گلبرگهایش شروع می کنند به فرو افتادن. یک باد شدید و دیگر اثری از آن نیست،یک آفتاب شدید و دیگر اثری از آن نیست. اما گل پلاستیکی آنجا خواهد بود.باران بیاید،آفتاب بیاید،هر چه بیاید،گل پلاستیکی آنجا خواهد بود.

26OCT

Silence is beautiful only if it is rootedin awareness;if it is not rooted in awareness,then it is utterly empty.With awareness silence as a depth,a plenitude,a fulfillment,a contentment,an overflowing joy.With awareness silence blooms,releases great fragrance;without awareness te silence is utterly empty and dark,dismal,sad.

سکوت تنها هنگمی زیبست کهریشه در آگاهی دشته باشد،در غیر این صورت کاملاً تهی است. با آگاهی،سکوت شکوفا می شود،عطری فوق العاده در فضا می پراکند. بدون آگاهی،سکوت کاملاً خالی،تاریک،یأس آور و غم انگیز است.

27OCT

The sun rises;tere is no desire to wake up people,no desire to open the flowers,no desire to help the birds to sing.It all happens on its

ownaccord.A Buddha helps not beacause he desires to help;compassion is his nature.

خورشید طلوع می کند: در این طلوع هیچ اشتیاقی به بیدار کردن مردم نیست،هیچ اشتیاقی به باز کردن گلها نیست،هیچ اشتیاقی به کمک به آوازه خوانی پرندگان نیست. اینها همه به میل و رضای خود روی می دهند. یک انسان بیدار،یک بودا،به این خاطر که شوق کمک کردن دارد،از دیگران دستگیری نمی کند،دلسوزی طبیعت اوست.

28OCT

Science is male,religion is female.Science is an effort to conquer nature;religion is a let-go;dissolving oneself into nature.The woman knows how to melt,how to become one.And each seeker of truth has to know how to dissolve into nature,how to become one with nature,how to go with the flow,without resisting,without fighting.

علم مذکر است،دین مونث. علم تلاشی برای تسخیر طبیعت است،دین رها سازی است؛حل کردن خود در طبیعت. زن می داند چطور مذاب گردد،چطور با طبیعت یکی شود،چطور با جریان به حرکت درآید: بدون مقاومت ،بدون مبارزه.

29OCT

My message is not in the words that I use but in the silence from where those words come.My message is not verbal,philosophical.It is a communion,a deep communion of the hearts,a meeting,a merger,an orgasmic experience.It is spiritual orgasm.

پیام من نه در واژه هایی که به کار می گیرم،بلکه سکوتی است که آن واژه ها از آنجا نشأت می گیرند. پیام من نه کلامی است و نه فلسفی.یک پیوند است.پیوند عمیق دلها،یک دیدار،یک آمیزش،یک تجربهٔ مست کننده.پیام من انزلی معنوی است.

30OCT

All desires are a nag,they go on nagging you,they go on forcing you,they go on goading you.You can't have a moment of rest,you can't be relaxed-all those desires are there.Rest,relaxation,is known only by those who have understood the art of being desireless.

همهٔ آرزوها نق نق اند.مدام بر سر تو نق می زندد،پیوسته تو را تحت فشار قرار می دهند،مدام تو را سیخونک می زنند. نمی توانی لحظه ای استراحت داشته باشی،آرام و قرار نداری،همهٔ آن آرزوها انجا هستند.آرام و قرار را فقط کسانی می شناسند،که هنر بی آرزویی را درک کرده اند.

31OCT

Bliss is your innermost core.Pleasure you have to beg from others:naturally you become dependent.Bliss makes you a master.Bliss is not something that happens;it is alredy the case.

لذت درونی ترین هستهٔ توست.خرسندی را باید از دیگران گدایی کنی،طبعاً وابسته می شوی.اما لذت از تو ارباب می سازد.لذت چیزی نیست که اتفاق بیفتد،همین حالا هم خود را عیان نموده است.



NOVEMBER

1 NOV

A real education will not teach you to compete;it will teach you to cooperate.It will not teach youto fight and come first.It will teach you to be creative,to be loving,to be blissful,without any comparison with the other.

تحصیلات واقعی به تو آموزش نخواهد داد رقابت کنی؛به تو آموزش می دهد با دیگران همکاری کنی؛به تو آموزش نخواهد داد مبارزه کنی و نفر اول باشی. به تو آموزش خواهد داد،بی هیچ مقایسه ای با دیگران،خلاق باشی،با محبت و لذت بخش باشی.

2NOV

Lord Acton says:power corrupts.It is not true.Power never corrupts,but corrupted people are attracted towards power.Of course,without power they cannot show their real faces.Power only gives them the right contex in which they can reveal their heart's reality.Power does not corrupt,it only reveals the truth.

لرد اکتون می گوید:"قدرت به فساد می گراید"،این حقیقت ندارد.قدرت هرگز به فساد کشیده نمی شود،ولی افراد فاسد شده به سوی قدرت کشیده می شوند.البته بدون قدرت قادر نیستند چهرۀ واقعی خود را به نمایش بگذارند. قدرت زمینه ای مناسب به دستشان می دهد که بتوانند واقعیت قلب خود را آشکار سازند.قدرت فساد نمی آورد،فقط حقیقت را نمایان می سازد.

3NOV

Love purifies.The more one loves,the more one becomes artful,skillful,intelligent in love.Millions of marriages fail because two inexperienced persons are trying to work things out.If both are inexperienced.it is bound to fail.Marriage needs artfulness;it is a great effort to create a symphony between two persons' beings.

عشق خلوص می بخشد.هر قدر بیشتر عشق بورزی،در عشق کارکشته،ماهر و زیرک می شوی.میلیونها ازدواج با شکست مواجه می شود،چون دو آدم بی تجربه سعی دارند برای مشکلات راه حلی بیابند. اگر هر دو بی تجربه باشند،ازدواج محکوم به شکست است.ازدواج به کارکشتگی نیاز دارد،ازدواج تلاشی بزرگ برای خلق یک سمفونی بین موجودیت دو نفر انسان است.

4NOV

I am not concerned about life after death;my whole concern is life before death.And whatsoever you do with your life now will produce,as a consequence,your future.The tomorrow will be born out of today,the next moment will be born out of this moment.

من دلواپس حیات بعد از مرگ نیستم،همهٔ نگرانی من زندگی پیش از مرگ است و هر کاری که الان با زندگی ات بکنی،به عنوان یک محصول،آیندهٔ تو را تولید می کند.فردا از دل امروز زاده خواهد شد،لحظهٔ بعدی از دل همین لحظه متولد خواهد شد.

5NOV

Life is basically insecure.Only death is secure.Life insurance is a contradiction in terms;there can be only death insurance.Life is an advanture,unpredictable.So the people who want to live safly die before their death,and the people who want to live without any danger don't live at all.

زندگی اساساً ناامن است.فقط مرگ امن است.بیمهٔ عمر به لحاظ زبانی اصطلاحی متناقض نماست،فقط بیمهٔ مرگ می تواند وجود داشته باشد.زندگی ماجراست،ماجرایی غیر قابل پیش بینی.بنابراین کسانی که می خواهند ایمن زندگی کنند،پیش از مرگشان میمیرند و کسانی که می خواهند بدون هیچ خطری زندگی کنند،اصلاً زندگی نمی کنند.

6NOV

Life means danger,life means risk.Life means going always from the known to the unknown,from one peak to another peak,always climbing peaks which have not been climbed before,always moving into the

uncharted sea with no maps,with no guidelines.Only then you live ecstatically,and only then you know what life is.

زندگی یعنی خطر،زندگی یعنی خطر کردن.زندگی یعنی رفتن،همیشه از شناخته به سوی ناشناخته،از قله ای به قله ای دیگر؛صعود،همیشه از قله هایی که قبلاً کسی آنها را فتح نکرده است؛حرکت،همیشه در دریای نامکشوف،بی هیچ نقشه،بی هیچ راهنما.فقط آن موقع به طرزی شادمانه زندگی می کنی و فقط آن وقت است که در می یابی زندگی چیست؟

7NOV

A rose is a rose and a thorn is a thorn;neither the thorn is bad nor the rose is good.If man disappears from the earth,roses will be there,thorns will be there,but there will be nobody to say that roses are good and thorns are bad.It is our mind that creates these values.

گل سرخ،گل سرخ است و خار،خار.نه خار بد است و نه گل سرخ خوب.اگر انسان از روی زمین محو شود،گل های سرخ آنجا خواهند بود،خارها آنجا خواهند بود،اما دیگر کسی نیست بگوید گل های سرخ خوبند و خارها بد. این ذهن ماست که این ارزش ها را خلق می کند.

8NOV

Delight in being alone.Enjoy being alone as much as feasible,as much as practical.Delight in solitude.Sitting silently,doing nothing.The spring comes and the grass grows by itself.

در تنهایی،شاد باش.تا آنجا که میسر است،تا آنجا که عملی است از تنها بودن لذت ببر. در خلوت خوش باش.خاموش نشستن و کاری نکردن و بهار می آید و علف ها خود به خود می رویند.

9NOV

Pleasure is animal,happiness is human,bliss is divine.Pleasure binds you,it is a bondage,it chains you.Happiness gives you a little more rope,a little bit of freedom,but only a little bit.Bliss is absolute freedom.You start moving upwards;it gives you wings.

خشنودی حیوان،خوشحالی انسان و نشاط الوهیت است.خشنودی دست و پایت را می بندد،اسارت است،تو را به زنجیر می کشد.خوشحالی کمی دستت را باز می گذارد،کمی آزادی عمل به تو می دهد،اما فقط کمی-نشاط آزدی مطلق است.تو حرکت به بالا را آغاز می کنی؛نشاط به تو بال می دهد تا با آن پرواز کنی.

10NOV

A sane person lives life joyously;he is not power-obsessed.He may be interested in music,in singing,in dancing,but he is not interested in dominating anybody.He may be interested in becoming a master of himself,but he is not interested in becoming a master of others.Politicians are insane people .Hisstory is enough proof.

آدم عاقل زندگی را شادمانه زندگی می کند؛و در وسوسۀ قدرت نیست.شاید به موسیقی،به آواز،به رقص علاقمند باشد،اما به سلطه گری علاقمند نیست.شاید علاقمند باشد آقای خودش شود،ولی علاقه ای ندارد آقای دیگران شود.سیاستمداران مردمانی دیوانه اند.تاریخ برهانی کافی است.

11NOV

Marriage is an institution that teaches a man regularity,frugality,temperance,forbearance and many other splendid virtues he would not need had he stayed single.

ازدواج نهادی است که نظم،قناعت،خویشتن داری،گذشت و بسیاری فضیلت های با شکوه دیگر را به آدم می آموزد،که اگر مجرد می ماند به آنها احتیاجی نداشت.

12NOV

A little foolishness,enough to enjoy life and a little wisdom to avoid the errors,that will do.

کمی لودگی،همین قدر که آدم از زندگی لذت ببرد و کمی عقل برای پرهیز از خطاها،همین کافی است.

13NOV

If life is God,then to deny,to renounce,to sacrifice,is to go against God.

اگر زندگی خداست،پس انکار کردن،چشم پوشیدن و قربانی کردن،عمل کردن بر ضد ارادۀ الهی است.

14NOV

A real prayer is a celebration-it is not an effort,not a means to something else.It arises and it dissolves into itself.A moment of prayer is an eternity in itself.

عبادت واقعی جشن است- تلاش نیست،وسیله ای برای رسیدن به چیز دیگری نیست.عبادت از خود می جوشد و در خود حل می گردد.لحظۀ عبادت به خودی خود،ابدیتی است.

15NOV

If a disciple is ready,even a dead master can be alive.If the disciple is not ready,then even a living master cannot do anything.It all depends on the disciple.

اگر سالک آماده باشد،حتا مرشد مرده هم می تونذ زنده باشد.اما گر سالک آماده نباشد،حتا از مرشد زنده هم کاری ساخته نیست.این همه به سالک بستگی دارد.

16NOV

A man of awareness never repents,because a man of awareness does only things that can done with full consciousness.

آدم آگاه هرگز توبه نمی کند،زیرا آدم آگاه فقط کارهایی می کند که می تواند از روی خودآگاهی کامل انجام گیرد.

17NOV

Your personality is your creation.The society gives you all the incentives to create it,because phony people can enslaved.Phony people can be Americans,Indians,Arabians,Chines,Phony people will go to the church,to the mosque,to the synagogue.The real individual finds his synagogue,his mosque,his temple,inside himself.

شخصیت تو آفریدۀ توست.جامعه همۀ انگیزه های لازم برای خلق آن را به تو دو دستی تقدیم میکند،زیر آدم های دروغین رامی تون به اسارت کشید.آدم های دروغین می توانند آمریکایی،هندی،عرب یا چینی باشند.آدم های دروغین راهی

کلیسا و کنیسه می شوند. آدم واقعی کنیسۀ خود را،معبد خود را درون خویشتن خویش می یابد.

18NOV

You are this universe's children.Just become a child,and your eyes will be able to see the point.And from that moment,growth goes on happening;you go on and on.And there are no borders to existence.There are no borders to your growth either.

شما فرزندان همین دنیا هستید.فقط کودک باش،آنگاه چشمانت قادر خواهند بود کنه مطلب راببینند و از آن لحظه رشد به وقوع خواهد پیوست؛تو همینطور ادامه می دهی و دیگر هستی را حد و مرزی نیست.برای رشد تو نیز حد و مرزی نیست.

19NOV

There is no death.Death is only a change from one form into another form,and ultimately form from to formlessness.And that is the goal – because every form is a kind of imprisonment.Unless you become formless,you cannot get rid of misery,jealousy,anger,hatred,greed,fear,because these are concerned with your form.

مرگی در کار نیست.مرگ فقط تغییری از یک شکل به شکلی دیگر است و سر انجام از شکلی به شکلی،و هدف همین است،زیرا هر شکل نوعی زندان است.تا وقتی بی شکل نشده ای،نمی توانی از بدبختی،حسادت،خشم،کینه،حرص و ترس خلاص شوی،زیرا اینها با شکل تو ارتباط دارند.

20NOV

Life is neither meaningless nor meaningful,life simply is.But if you try find some meaning in it,naturally that meaning is not there.You are the creator of your meaninglessness.And then despair,anguish….Life simply is.Enjoy it!

زندگی نه بی معناست و نه با معنا،زندگی فقط هست.اما اگر سعی کنی معنایی در آن بیابی،طبعاً آن معنا آنجا نیست. تو خالق بی معنا بودن خود هستی و به دنبال آن یأس است و پریشانی خاطر...زندگی صرفاً هست،از آن لذت ببر!

21NOV

Freedom brings responsibility.Responsibility helps you to become more and more free.And only a person who knows the taste of freedom,who knows the beauty of responsibility,is worthy of calling himself a human being;otherwise,you are camels and nothing more.

آزادی مسئولیت می آورد،مسئولیت به تو کمک می کند آزادتر و آزادتر شوی و فقط کسی که طعم آزادی رامی داند،کسی که زیبایی مسئولیت را می داند،لایق است خود را انسان بخواند،وگرنه شما شترها هستید و نه چیزی بیشتر.

22NOV

I am the beginning of a totally new religious consciousness.Please don't connect me with the past.It is not even worth remembering.It will a great blessing to humanity if we burn all the past histories,destroy the whole past,and give man a freash beginning,unburdened.Make him again.Adam and Eve,so that he can start from scratch –a new man,a new civilization,a new culture.

من سرآغاز آگاهی مذهبی کاملاً نوینی هستم.لطفاً مرا با گذشته پیوند نزنید،گذشته حتا ارزش به خاطر سپاری ندارد.چه نعمت بزرگی برای بشریت خواهد بود اگر

سراسر تاریخ گذشته را به کناری نهیم،همهٔ گذشته را به گنجینهٔ هزاره ها بسپاریم و به انسان آغازی جدید ببخشیم- آغازی غیر تحمیلی- و دوباره او را آدم و حوا کنیم تا بتواند از صفر شروع کند- انسانی نو،تمدنی نو،فرهنگی نو.

23NOV

Man has to declare his freedom.It is not a question of a nation being free,it is a question of every individual on the earth being free from all the jargon that the past has left within you.

انسان باید آزادی خود را اعلام کند. این نه درخواست از یک ملت برای آزاد بودن است،بلکه درخواستی است از یکایک افراد روی زمین برای خلاصی از کل زبان نامفهوم و در هم تنیده ای که گذشته در درونت به ماندگار گذاشته است.

24NOV

Death makes life beautiful,because it makes you alert;don't miss the train ,don't miss anything.Enjoy,relish everything possible to you,because tomorrow is deth.Death is not your enemy,deth is your greatest friend.Without death you will be just dead bodies moving around with no purpose,with no meaning,and no exit.

مرگ زندگی را زیبا می کند،زیرا تو را هشیار می سازد. قطار را از دست نده،هیچ چیز را از دست نده.لذت ببر،از هرچه برایت میسر است حظ ببر،زیرا فردا مرگ است. مرگ دشمن تو نیست. مرگ بزرگترین دوست توست.بدون مرگ شماها فقط اجسادی مرده اید که بی هدف،بی هیچ معنا و بی هیچ گریزگاهی اینجا و آنجا در حرکتید.

25NOV

I have the whole vision of the New Man;No religions,no nation,no governments-only one functional government,and a powerful world academy of scientists.And science should be the decisive factor…Science has been a blessing to man.It can be a greater blessing if there is only one world.

من همهٔ دورنمای انسان نوین را در اختیار دارم: نه مرزی،نه ملتی،نه حکومتی-فقط یک حکومت کاری و فعال،و یک آکادمی جهانی قدرتمند از دانشمندان،و علم باید عامل تعیین کننده باشد...تا کنون علم برای بشر نعمت بوده است.علم می تواند نعمت بزرگتری باشد،به شرطی که فقط یک دنیای واحد باشد.

26NOV

It is not only painters and dancers and singers that have the prerogative to enjoy life.It is everybody's brightright-it has northing to do with special talents.Cooking can be a joy,cleaning the house can be a joy.

این فقط نقاشان و رقاصان و خوانندگان نیستند که از امتیاز لذت بردن از زندگی برخوردارند.این حق مسلم هر فرد است- هیچ ربطی به استعدادهای ویژه ندارد.آشپزی می تواند مایهٔ لذت باشد،تمیز کردن خانه می تواند مایهٔ شعف باشد.

27NOV

Spread the fire around the world,that the whole earth belongs to us .The people of the earth have to take the responsibility from the hands of the politicians.And this will be a first step;to erase all the boundaries.And see how many people they can put in jails;you cannot put a whole nation in jail.

آتش را به سراسر جهان بگستران،که کل زمین متعلق به ماست.مردم زمین باید مسئولیت را از دستان سیاستمداران جهانخوار بازگیرند و این گام نخست است: محو کردن تمامی مرزها،و بین چند نفر را می توانند زندانی کنند. تو ای جهانخوار! نمی توانی کل یک ملت را به زندان بیندازی.

28NOV

Life is a continuous change.And the conscious person goes on moving and changing with life and existence.He is like a river,moving –not like a dirty pond which only goes on becoming more and more muddy;he goes nowhere,he never changes.A river goes on flowing,changing,talking new routes.

زندگی تغییری دائمی است و فرد آگاه به حرکت و تغییر همگام با زندگی و هستی ادامه می دهد.و مثل رودخانه در حرکت است- نه مثل گندابی آلوده که فقط به گل آلود شدن بیشتر و بیشتر ادامه می دهد؛او به هیچ کجا نمی رود،هرگز عوض نمی شود. رودخانه به جریان،به تغییر و به انتخاب مسیرهایی جدید ادامه می دهد.

29NOV

Intelligence is the capacity to be silent,to be awake,to be able to see the truth.

هوش ظرفیت خاموش بودن و بیدار بودن و توانایی دیدن حقیقت است.

30NOV

Religion is the highest luxury in the world.The idiot cannot realize it while remaning an idiot.The mediocre cannot even conceive its possibility while remaining mediocre.Only the highest intelligence can reach to that point where religion flowers.

دین بالاترین لذت در دنیست.آدم احمق مادام که احمق بماند نمی تواند آن را تشخیص دهد.آدم سطحی،تا وقتی که سطحی بماند،نمی تواند حتا امکان چنین چیزی راتصور کند.فقط بالاترین هوش می تواند به نقطه ای که دین در آنجا به شکوفایی می رسد،دست یابد.



DECEMBER

1 DEC

What man has done to man is inconceivable.Just Adolf Hitler alone is responsible for killing at least ten million people.Joseph Stalin is not far behind.In the twentieth century,are you going to allow all this to go on?We are not going to create nuclear weapons to conquer the world and chang it,no.We already have the greatest weapon in our hands:meditation.

آنچه انسان بر سر انسان آورده غیر قابل تصور است.فقط آدلف هیتلر به تنهایی مسئول کشتار حداقل ده میلیون نفر آدم است. جوزف استالین هم چندان دست کمی از او ندارد. در قرن بیستم هم می خواهی اجازه بدهی همهٔ اینها ادامه پیدا کند؟ ما قرار نیست برای غلبه بر دنیا و تغییر آن جنگ افزار هسته ای اختراع کنیم،نه ما همین حالا هم بزرگترین اسلحه را در دست داریم: مراقبه.

2DEC

We have to create a world of really sensitive people,who can understand music,poetry,paintings,who can understand nature,who can understand human beauty,who can understand the world that surrounds them:the stars,the moon,the sun.Just a bird on the wing can fill you with immense rejoicing.The freedom of the small bird,the song of the small bird,may make you dance,sing.Humanity has lost its heart,and we have to give it back to everyone who is willing.

باید دنیایی از آدم های به واقع حساس بیافرینیم،که بتوانند موسیقی،شعر و نقاشی را درک کنند،بتوانند طبیعت را بفهمند،بتوانند زیبایی انسان،طبیعت و دنیایی که آنها را حاطه کرده است،درک کنند؛ستارگان را،ماه را،خورشید را. فقط پرنده ای در پرواز می تواند تو را با شعفی سرشار آکنده سازد.شاید که آزادی و چهچههٔ پرندهٔ کوچک تو را به آواز در آورد.انسانیت قلب و احساس خود را از دست داده و ما باید آن را به هر کس که خواستار آن است،بازگردانیم.

3DEC

Whatever you are doing,or not doing,is immaterial.Just be loving,be alert,do it with joy.Whatever you are doing,do it as if this is the greatest thing in the world at this juncture of time.

هر چه داری انجام می دهی،یا نمی دهی،غیر مادی است. فقط سرشار از محبت باش،هشیار باش،آن را با شادی و نشاط انجام بده. هر کاری می کنی،آن را طوری انجام بده،گویی در این برهه از زمان این عالی ترین کار در دنیاست.

4DEC

To be an Indian has nothing to do with geography,it has something to do with an inner approach towards reality.Modern India has forgotten the ways of the Buddha,and has forgotten how to live with buddhas.I am trying to reveal that treasure to you again.Let it sink deep in your heart.

هندی بودن هیچ ربطی به جغرافی ندارد،بلکه به رویکردی معنوی نسبت به واقعیت مربوط است. هند نوین راه و رسم های بودا را به فراموشی سپرده و از یاد برده چطور با بوداها زندگی کند.سعی من بر این است که آن گنجینه را دوباره به تو بنمایانم.نگذار آن گنجینه در اعماق دلت مدفون گردد.

5DEC

I call India not a country,but an inner space.I call India not something that exists there in geography,on the maps.I call India that which exists hidden within you,and that which you have not yet discovered.India is your innermost space.India is not a nation,it is a state of mind.

من هند را نه یک کشور،که یک فضای درونی می خوانم. من هند راچیزی که در جغرافی وجود دارد،بر روی نقشه ها،نمی خوانم؛من هند را آن چیزی می خوانم که در درونت پنهان است و چیزی که هنوز آن را کشف نکرده ای. هند درونی ترین فضای توست.هند یک ملت نیست،حالتی از ذهن است.

6DEC

Tantra,a great Eastern philosophy,calls sex sacred,the most significant life energy-because all transformation is going to happen through that energy.Don't condemn it.

تانترا،فیلسوف بزرگ شرقی،آمیزش را مقدس و مهم ترین انرژی حیات می خواند. کل دگرگونی قرار است از طریق این انرژی اتفاق بیفتد. آن را نکوهش نکن.

7DEC

Religion is reuniting with your own source.Religion is remembering,becoming again a part of the organic unity that you are.Religion is not concerned with others.It is concerned with you,absolutely with you.Religion is personal.It is not a social phenomenon.

"طریقت" برقراری اتحادی دگرباره با خاستگاه خود توست. "طریقت" به یاد آوردن است- دوباره بدل شدن به وحدتی سازمند که تویی. طریقت تو به دیگران ربطی ندارد،به تو ربط دارد،کاملاً به تو. طریقت تو شخصی است،نه پدیده ای اجتماعی.

8DEC

MAN CARRIES the seed of this misery or bliss,hell or heaven,within himself.Whatsoever happens to you,it happens beacause of you.

انسان بذر بدبختی یا سعادت را- جهنم یا بهشت را در درون خود یدک می کشد،هر چه بر سرت می آید دلیل آن اتفاق،تویی.

9DEC

Meditation is a surrender,it is not a demand.It is not forcing existence your way,it is relaxing into the way existence wants you to be.It is a let-go.

مراقبه تسلیم است،نه تقاضا. مراقبه تحمیل کردن مسیر خود به هستی نیست،بلکه آرام گرفتن در مسیری است که هستی می خواهد در آن باشی. مراقبه با دندهٔ خلاص رفتن است.

10DEC

My religion is a religion of shairing,not of following.It is a religion of love.I am against following because it is against the basic psychological principle of the uniqueness of the individual.

کیش من کیش قسمت کردن با دیگران است،نه دنباله روی. این مذهبِ عشق است. من مخالف دنباله روی هستم،زیرا این بر خلاف یکی از اصول اساسی روانشناسی،یعنی منحصر به فرد بودن یابی همتا بودن فرد است.

11DEC

My work is to make your mind so mature that you can live with meaningless life,and yet beautifully.What is the meaning of a rose,or a cloud floating in the sky?There is no meaning but there is such tremendous beauty.There is no meaning.

کار من این است که ذهن شما را چنان به حد کمال برسانم که تو با وجود بی معنا بودن زندگی،آن را به شکلی زیبا زندگی کنی. معنای یک شاخه گل سرخ،یا ابری

معلق در آسمان چیست؟هیچ مفهومی در بین نیست ولی زیبایی فوق العاده عظیمی وجود دارد. هیچ مفهومی در بین نیست.

12DEC

The word medicine and the word meditation come from the same root.Medicine cures the body,meditation cures your being;it is the inner medicine.

واژهٔ "دارو" و "مراقبه" از یک ریشه اند.(در زبان انگلیسی). دارو جسم را التیام می بخشد،مراقبه وجودت را شفا می دهد: این دارویی معنوی است.

13DEC

Obedience is a strategy of the priest,of the politicians,to exploit you,to keep you in slavery,in mental slavery.All religions praise obedience.To be rebellious is to be religious.

اطاعت ترفند سلطه گران و سیاستمداران است که تو را استثمار کنند،تا تو را در اسارت نگه دارند؛در اسارت ذهنی. همهٔ ادیان غیر الهی اطاعت کورکورانه را می ستایند. در حالی که متدین یعنی عصیانگر.

14DEC

In existence,the smallest blade of grass has the same significance and the same beauty as the greatest star.There is no hierarchy.There is nobody higher,nobody lower.

در هستی ریزترین پرِ کاه همانقدر مهم و زیباست که بزرگترین ستاره. هیچ سلسله مراتبی در کار نیست. هیچ کس بالاتر نیست،هیچ کس پایین تر نیست.

15DEC

Living can only mean one thing:living life multidimensionally-the music,the music,the poetry,the painting,the sculpture…but it is all luxury.I am not a worshipper of poverty;I worship luxury.And existence is luxurious,abundantly luxurious.Where one flower will do,millions of flowers blossom.

زندگی تنها می تواند یک معنا داشته باشد: چند بُعدی زندگی کردن زندگی-موسیقی،شعر،نقاشی،مجسمه سازی...اما اینها همه تجمل اند. من فقرپرست نیستم،من تجمل پرستم و هستی تجملی است. شدیداً تجملی،جایی که یک گل بس است،میلیونها گل شکفته می شود.

16DEC

Service is a dirty,four letter word.Never use it.Yes,you can share,but never humiliate anybody by serving him.It is humiliation.

خدمت یک واژهٔ کثیف چهار حرفی است. هرگز از آن استفاده نکن.آری،شما سهم خود را با دیگران قسمت کنید،ولی هرگز هیچ کس را باخدمتگزاری کردن به او شرمسار نفرمایید. این ذلت دادن به دیگران است.

17DEC

Love is a changing relationship,it is not stable.Hence marriage came into existence.Marriage is the death of love.Yes,you make a beautiful amadhi,a marble Samadhi,a beautiful memorial,but it is a grave whatever you call it.

عشق رابطه ای در حال تغییر است.ساکن نیست.این است که ازدواج قدم به عرصهٔ وجود نهاد.بله،تو یک "آمادهی" زیبا،یک "سامادهی"مرمرین،یک بنای یادبود زیبا درست می کنی،اما هر اسمی هم که روی آن بگذاری،این یک مقبره است.

18DEC

Life has its own ways.The moment you start managing everything,you spoil it.Allow life its freedom.About love,allow freedom,and don't be guided by fixed ideas.

زندگی راهکارهای خودش را دارد.لحظه ای که شروع می کنی همه چیز را اداره کنی،آن را خراب می کنی. به زندگی آزادی اش را بده. در مورد عشق،آن را آزاد بگذار و افکار خشک و متحجر را سرمشق قرار نده.

19DEC

Loneliness is where you are missing the other.Aloneness is when you are finding yourself.Aloneness is the finding of your true and authentic being.

تنهایی وقتی است که دلت برای کسی تنگ است.خلوت وقتی است که خود را پیدا می کنی. خلوت یعنی یافتن حقیقت و وجود راستین خودت.

20DEC

Existence has no personality.No question of personalities,it simply is whatsoever it is.To experience existence as it is.Is to know the truth.

هستی هیچ شخصیتی دارا نیست. شخصیت،بی چون و چرا همان است که هست. تجربه کردن هستی به همان شکل که هست،یعنی شناخت حقیقت.

21DEC

Respect life,revere life.There is nothing more holy than life,nothing more divine than life.And life dose not consist of big things.Life consists of very small thing.

زندگی را تکریم کن،زندگی را مقدس بشمار،چیزی مقدس تر و الهی تر از زندگی نیست و زندگی از چیزهای بزرگی تشکیل نشده .زندگی متشکل از چیزهای بسیار کوچک است.

22DEC

The man who can say hello to a stranger can also say hello to a flower,can also say hello to the tree,can sing a song to the birds.They sing every day and you have not bothered at all that some day you should return the call.

کسی که بتواند به غریبه ای سلام کند،به یک گل هم می تواند سلام کند،به یک درخت هم می تواند سلام کند.می تواند برای پرنده ها آواز بخواند. آنها هر روز آواز می خوانند و تو حتا به روی خود هم نیاورده ای که باید روزی چهچهۀ آنها را پاسخ بدهی.

23DEC

Living dangerously means:don't put such stupid conditions between you and life-comfort.convenience,respectability.Drop all these things,and allow life to happen to you,and go with it witout bothering whether you are on the highway or not,without bothering where you are going to end.Only very few people live.Ninety-nine point nine percent of people only slowly commit suicide.

خطرناک زندگی کردن یعنی اینکه بین قدرت و زندگی شروط احمقانه- آسودگی،راحتی،آبرومندی و ...- نگذاری. همهٔ اینها را رها کن و بگذار زندگی بر تو واقع شود و با آن همراه شو،بدون اینکه به خود زحمت بدهی که آیا در بزرگراه قرار داری یا نه،بدون ایکه به خود زحمت بدهی که آیا داری به انتهای خط می رسی یا نه. فقط افراد انگشت شماری زندگی می کنند. نود و نه و نه دهم درصد از مردم فقط به تدریج راه خودکشی رادر پیش می گیرند.

24DEC

Witnessing is the highest point of the evolution of consciousness.That's why I have dropped God,paradise,hell,heaven.What is the point of all this paraphernalia?Stick to the basic essential,and that is:be a witness.

شهادت بالاترین درجهٔ تحول خودآگاهی است. به همین دلیل هم من،خدا،بهشت،جهنم و ملکوت را به چشم دیگری نگاه می کنم. فایدهٔ این همه ساز و برگ چیست؟ به این اصل اساسی بچسب و آن این است: یک شاهد باش.

25DEC

Information is not transformation.You can become very knowledgeable through information,but your ignorance remains the same.The greatest

knowledgeable person is ignorant,is just like any ignorant person who knows nothing.

اطلاعات دگرگونی نیست. تو می توانی از راه اطلاعات آدم بسیار مطلعی شوی،اما جهل تو همچنان به قوتخود باقی است. بزرگترین دانایان جاهلند؛درست مثل هر آدم جاهل دیگری که هیچ چیز نمی داند.

26DEC

The "commune" is not a religion,following collectively on a super-highway.The commune belongs to individuals who have joined hands with each other because they are going on an inner journey where they will be alone.

"کمون" یک مذهب- یک دنباله روی جمعی در یک اَبَر بزرگراه- نیست. کمون به افرادی تعلق دارد که دست به دست هم داده اند،چون می خواهند به سفری درونی رهسپار گردند. به جایی که در خلوت خویش خواهند بود.

(کمون: اشاره به جامعهٔ بین المللی اشو در هندوستان.م)

27DEC

Make every action of your life holy.Choose every action of your life as if it were a love affair.Perhaps you may not become very rich:there is no need.Richness will come to you in a totally different form:the richness of being blissful,contented,ecstatic.

هر عمل زندگی ات را قدسی کن. هر عمل زندگی ات رابرگزین. گویی رابطه ای پنهانی و عاشقانه است. شاید خیلی ثروتمند نشوی؛احتیاجی نیست،ثروت به شکلی

کاملاً متفاوت به تو رو خواهد کرد،ثروت پرنشاط بودن،سعادتمند بودن و سرمست بودن.

28DEC

When you feel expansion of your consciousness,that is the most ecstatic experience possible,because suddenly you are the whole universe.Stars are within you.The sun rises within you and sets within you.The earth moves within you.The flowers blossom within you.

وقتی بسط آگاهی خویش را احساس می کنی،این خلسه آمیزترین تجربۀ ممکن است،زیرا ناگهان تو،کل جهانی. ستارگان درون تو هستند. خورشید درون تو طلوع و غروب می کند. زمین درون تو به حرکت در می آید.گل ها درون تو شکفته می شوند.

29DEC

Truth is something wich blossoms only in individual freedom,in the total freedom of your being.

حقیقت چیزی است که فقط در آزادی فردی،در آزادی کامل وجود تو شکفته می شود.

30DEC

Life without meditation is simply vegetating.You can be different vegetables.Somebody is a cabbage,somebody is a cauliflower….A cauliflower is only a cabbage with college degrees,not much difference.

زندگی بدون مراقبه گیاه وار زیستن است. شما میتوانید گیاهان متفاوتی باشید: یکی کلم است،یکی گل کلم...گل کلم فقط یک کلم است با مدارج دانشگاهی؛چندان فرقی نیست.

31DEC

Life is so vast,so immense,so strange.mysterious,it cannot be reduced into a rule or a maxim.All maxims fall short,are too small;they cannot contain life and its living energies.Hence the golden rule is significant,that there are no golden rules.

زندگی چنان گسترده و عظیم،و چنان عجیب و اسرار آمیز است که نمی توان آن را به یک قاعده یا اندرز تقلیل داد. همهٔ اندرزها کم می آیند،زیادی کوچکند،آنها نمی توونند زندگی و انرژی های زنده اش رادر خود جای دهند. از این رو این قاعدهٔ طلایی اهمیت می یابد: اینکه هیچ قاعدهٔ طلا ای وجود ندارد.

با تشکر ویژه از دوست عزیزی که زحمت تهیه و تایپ این کتاب را انجام دادند.

www.oshods.com

www.otagahi.com